



انترناسیونال ۴۰۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۳ مه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

مینا احدی: ۱۰ روز هیجان انگیز در برزیل



هوایپیمای ما در شهر سائوپالو ساعت شش صبح روز دوم ماه مه دوشنبه بر زمین مینشیند. برزیل برای من یک کشور نا آشنا است. از یکسال قبل و بدلیل کمپین بزرگ سکینه محمدی آشتیانی، رسانه های این کشور، مصاحبه های متعددی با فعالین این کمپین انجام داده و به نوعی رابطه نزدیکتری با این کشور داشتیم. اما ورود به این کشور و دیدن مردم از نزدیک، یک واقعه هیجان آور است و من و پتی دوینیتا که بعنوان یک هیئت از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار به برزیل آمده ایم، وارد شهرهای تجاری و صنعتی برزیل میشویم. مقدمات اولیه ورود به کشور با توضیحات مختصری برای دختر جوانی که پاسپورتها را کنترل میکند، بدون دردسر تمام میشود و ما میگوییم برای یک کنفرانس مطبوعاتی و سخنرانی به این کشور آمده ایم و وارد سالن ترانزیت فرودگاه

میشویم. هوای گرم و جمعیت زیادی که در این صبح زود در فرودگاه هستند، بیشتر تصویر کشوری توریستی را میدهد و تعداد زیادی با دست داشتن اسامی و علامتهایی دنبال مهمانان خود آمده اند. در دست یک راننده که برای

صفحه ۳

دفاع از "زندانیان عادی" یک

وظیفه مهم سیاسی



کاظم نیکخواه

در میان گروه های اپوزیسیون، زندانیان عادی بخشی نسبتا فراموش شده اند. دلایل ناگفته و نانوخته متعددی برای این وضعیت در اذهان وجود دارد. اینکه اینها منزله نیستند، آرمان گرا نیستند، فداکاری ای برای جامعه نکرده اند، به فساد و ناهنجاریها و جرائم گوناگونی دست زده اند، با فرهنگ لمپنی و کوچه بازاری تداعی میشوند، و هزار دلیل مشابه دیگر. کسی این نوع دلایل را صراحتا شاید در جایی نگفته است اما اساس مساله همین است. بالاخره مبارزه سیاسی از جانب هر گروه و حزب و سازمانی چه چپ چه راست، بر سر جامعه و قدرت سیاسی و حقوق مدنی و اجتماعی است و این طیف، یعنی زندانیان عادی، قشر یا طیفی وازده از جامعه تلقی میشوند که امر و آرمان و هدف اجتماعی ای را دنبال نمیکنند و در مبارزه برای هژمونی و قدرت سیاسی جایی ندارند. افرادی هستند که برای ارضای خود دست به اعمال خلاف و "ضد اجتماعی" زده اند.

"دولت با بی حجابی بر خورد جدی میکند!"

شهلا دانشفر، صفحه ۱۲

اعتراضات دانشجویی و فراخوان

روز ۲۵ اردیبهشت

متن گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست، صفحه ۹

صفحات دیگر

۲۵ اردیبهشت روز اعتراض و اعتصاب

سراسری در دانشگاهها

فراخوان به تظاهرات در حمایت از اعتصاب سراسری

دانشجویان در ایران، ...

پیام مادر فرزاد کمانگر:

فرزاد همیشه زنده خواهد بود زیرا افکار انسانیش زنده است
صفحه ۱۰

بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی است!

اعتراضات کارگری در شیراز، سنج و قزوین

اعتصاب کارگران مجتمع فولاد بندرعباس و نساجی قائم شهر

اعتراض کارگران اخراجی گل گهر و نساجی کاشان

صفحه ۱۱

اینکه خود این تصویر از این بخش از زندانیان تا چه حد در جمهوری اسلامی واقعی است را در خلال نوشته اشاره خواهیم کرد. اما در وهله اول اجازه دهید به نفس این نوع تلقی نسبت به زندانیان عادی و دفاع از حقوق آنها بپردازیم.

یادم می آید همین سال گذشته در اوج کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار که دنیا را متوجه جنایات جمهوری اسلامی کرد و فشار عظیمی روی این حکومت گذاشت، و حمایت بین المللی گسترده ای برای نجات این زن و جنبش ضد سنگسار به جریان افتاد، جریانات اپوزیسیون غالبا سکوت کردند

صفحه ۴

صدای زندانیان سیاسی باشیم

گفتگو با شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت های ۲۰ ژوئن بعنوان روز مبارزه برای زندانیان سیاسی است. سخنگوی این کمیته شیوا محبوبی خود از زندانیان جهانیان، به پیش برده است. از

صفحه ۷

بودجه ۹۰، اختلافات حکومت

محمد شکوهی صفحه ۸

بازتاب هفته

تشدید بحران و از سرگیری اعتراضات در یونان

آنجا که بردگی جنسی و تجاوز به کودکان قانونی است!

بهر روز مهرآبادی

جنگ و گریز مردم با رژیم اسد در سوریه

محمد شکوهی

مسئولان، بیاید همدیگر را لعنت کنید!

یاشار سهندی

صفحات ۶-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



بعد از این مصاحبه دیگر بیش از ۲۸ ساعت است که نخواهید ایم. همه برنامه ها را کنسل میکنیم و استراحت میکنیم.

روز بعد کنفرانس ملنیوم در دانشگاه سائوپولو است. صبح زود آماده میشویم و ساعت یک ربع به نه باید آنجا باشیم. مسئولین امنیت ما را به دانشگاه میبرند. دانشگاه روبروی هتل محل اقامت ما است.

درب سالن سخنرانی پر از جمعیتی است که باید خود را معرفی کرده و کارت شناسایی دریافت کنند. در همانجا ، پائولو ثویل ، ما را به چند نفر از مسئولین سازمان خودشان و تعدادی از سخنرانان معرفی میکنند و سپس به من میگویند مینا باید ترا با سفیر قبلی برزیل در آلمان آشنا کنم. مردی ۶۵ ساله و مسلط به زبان آلمانی. سپس با چند نفر از استادان دانشگاه آشنا میشویم و قبل از شروع کنفرانس دو مرد خوشرو بظرف ما می آیند. ما مترجمین شما هستیم. از آلمانی به پرتغالی و برعکس. سخنرانی من مستقیم ترجمه میشود و در طول این کنفرانس این دو نفر ، همه مباحثات را برای من و پتی به آلمانی ترجمه میکنند.

راس ساعت نه صبح کنفرانس آغاز بکار میکند. ابتدا چند سخنرانی افتتاحیه کوتاه از سوی لئوئیژ آلبرتو ماچادو و روبرتو سویتا انجام میشود و سپس اولین پانل کار خود را شروع میکند. من و پائولو و خاویر الهاگ مسئول بنیاد حقوق بشر از آمریکا در پانل اول هستیم. اولین سخنران کنفرانس من هستیم. و حرفهایم را شروع میکنم.

به قیافه حاضرین نگاه میکنم. همه ساکت و با علاقه گوش میدهند. در پایان ، تشویق میکنند و تعدادی از جا بلند میشوند.

بعد از من ، سخنرانی خاویر الهاگ که به دلیل ترافیک دیر به محل کنفرانس رسیده و روشن کردن کامپیوترش هم مدتی طول میکشد و در نتیجه با کمی اضطراب سخنرانش را شروع میکند و در مورد تعریف از دموکراسی و منظور از دموکراسی حرف میزند. او میگوید خیلی از دولتهای دیکتاتور امروز اسمشان حکومت دموکراتیک... است ولی باید امروز روشن کنیم منظور از دموکراسی چیست. سپس پانل او به سوالات حاضرین پاسخ میدهد. اینجا می بینم که دیگر مثل آلمان و انگلیس ... کمونیسم تابو نیست. حرف زدن از لنین

از صفحه ۱

مرکز و مناطق اعیان نشین . شهری گران که برای خریدن يك ساندویچ و یا يك وعده غذا باید ۴۰ یورو پرداخت. با خودم فکر میکنم ، مردم چگونه زندگی میکنند و درآمد مردم چقدر است. پاسخ به این سوال از طرف دوستان برزیلی اینست که برزیل در حال رشد است و در سالهای اخیر ، اقتصاد این کشور بسیار رشد کرده و کار و در آمد ، رشد داشته است. بقول آنها ، درآمدها نیز بالا است ولی در عین حال گرانی يك مشکل این جامعه است. در مسیر راه جوانانی را می بینم که وسط خیابان کلید و وسایل دوچرخه و ... را میفروشند. در شهر سائوپائولو کاملاً میتوان دید که شهر به دو قسمت تقسیم شده ، محلات فقیر نشین و مردمی که با فقر و ناداری دست و پنجه نرم میکنند و بخش دیگری که ثروت و امکانات دارند و احساس من اینست که بویژه با رشد روز افزون بخش متوسط در این جامعه روبرو هستیم.

دو تلفن همراه پائولو مدام زنگ میزند و او مشغول حرف زدن است و سپس میگوید که تلویزیون سراسری برزیل به اسم " گلوبو " میخواهند با مینا مصاحبه کند و ما باید به هتل برگردیم آنها آمده اند. از من میپرسد میخواهی برگردیم و مصاحبه کنی و یا اینکه نهار برویم و به آنها بگویم نیستی. تعجب میکنم و میگویم من برای کار سیاسی آمده ام و حتماً میخواهم برگردیم هتل. لبخند میزند و نفس راحت میکشد و ما همه برمیگردیم.

در هتل ، دختر جوان و زیبایی را ملاقات میکنیم ، مسئول مطبوعاتی بنیاد ملنیوم ، او همه مصاحبه ها را سازمان داده و رابط با مطبوعات است.

تیم تلویزیون با مسئولین هتل حرف میزنند و میخواهند جای خوبی برای مصاحبه داشته باشند ، برخلاف اروپا ، می بینم همه چیز بسیار ریلکس و بدون تشریفات پیش می رود. مسئولین هتل کمک میکنند و مقررات مانع هیچ رابطه انسانی نیست. جای مصاحبه تعیین میشود و آماده ضبط میشویم. دختر جوان و زیبایی با من مصاحبه میکند و سپس با علاقه و احترام من و پتی را که مصاحبه را از آلمانی به انگلیسی ترجمه میکرد ، در آغوش گرفته و میگوید شما کار مهمی انجام میدید.

۱۰ روز هیجان انگیز در ...

انتقال ما آمده اسم " خانم پترا " را می بینیم و بسوی او میرویم. با يك ماشین و با محافظت کامل وارد شهر سائوپائولو میشویم.

هوای گرم و جمعیت زیاد و ترافیک فشرده ، مرا یاد تهران می اندازد. به سالهای دور ، به بیش از سی سال قبل باز میگردد و خاطرات تلخ و شیرین خودم در تهران را مرور میکنم.

راننده جوان ، هر جا که ماشین بدلیل ترافیک توقف میکند ، توضیح میدهد امروز يك مسابقه ماشین سواری هست و به این دلیل ترافیک بسیار سنگین است و بعد از این توضیح به فیس بوك و اینترنت سر میزند و خودش را مشغول میکند. نیمه راه هستیم و یکباره راننده که به زبان انگلیسی کاملاً مسلط است ، میگوید اینجا در فیس بوك نوشته ، بن لادن را امریکا به قتل رساند... و من میپرسم ، دیگر چه نوشته ، کجا و چگونه و او پاسخ میدهد بیش از این چیزی نگفته.

به پتی میگویم ، از بس مسافرت میکنم ، همه وقایع مهم این جینی را در فرودگاهها و یا در حال سفر می شنوم. ۱۱ سپتامبر را در فرودگاه کلن بودم که اتفاق افتاد و خبرش را شنیدم ، فاجعه ژاپن را روز ۱۲ مارس ۲۰۱۱ در فرودگاه تورنتو بودم که در صفحه تلویزیون دیدم ...

به هتل محل اقامت ما در سائوپائولو میرویم. قرار است مسئولین بنیاد ملنیوم را همان روز ملاقات کنیم و با سخنرانان دیگر نهار بخوریم. در رستوران هتل صبحانه میخوریم و بعد از کمی استراحت ، در طبقه اول هتل ، پائولو ثویل مسئول سازمان ملنیوم را ملاقات میکنیم. او که پدرزگش از آلمان است ، بهمین دلیل نام فامیلش آلمانی است ، اما زبان آلمانی را بلد نیست و میگوید که پدرش آلمانی بلد است ، اما او این زبان را کمی می فهمد. در آنجا با خاویر آشنا میشویم که از آمریکا آمده و قرار است در پانل اول با من در مورد حقوق بشر فردا در دانشگاه سخنرانی کند.

باهم سوار يك تاکسی میشویم و رهسپار رستورانی میشویم که قرار است آنجا بقیه را ملاقات کنیم. سائوپائولو بسیار بزرگ است ، شهری صنعتی با ۱۸ میلیون جمعیت. در همان نگاه اول میتوان فهمید ، فقر و ثروت ، جدا بودن مناطق فقیر نشین از

کمی میگردد و توضیحاتی در مورد این شهر و زیباییهای خیره کننده آن میدهند.

به هتل میرسیم و برنامه روز بعد را دریافت میکنیم. صبح زود ساعت شش باید آماده پرواز به برازیلیا شیم. یکساعت و نیم پرواز به برازیلیا پایتخت طول میکشد و ما وارد پایتخت کشور برزیل میشویم. اولین ملاقات با وزیر حقوق بشر برزیل است. در وزارت حقوق بشر ، خبردار میشویم که روزنامه اصلی شهر [نوشته که مینا احلی با يك تیم همراه امروز وارد پایتخت شده و با مقامات دولتی نشست هایی دارد.

در دفتر کار ماریا دو روزاریو چند زن جوان کار میکنند و که ما را با گرمی می پذیرند و قهوه ای می نوشیم و سپس وارد دفتر کار وزیر میشویم. او با گرمی عجیبی از ما استقبال میکند و از همان بدو ورود میخواهد مرا در آغوش گرفته و خوشامد بگوید. با کمی تردید دست میدهم و رفتارش بسیار متفاوت از سیاستمدارانی است که تا کنون ملاقات کرده ام. مذاکرات شروع میشود.

من کمی در مورد سکینه حرف میزنم و اینکه باید کاری کنیم که سکینه آزاد شود... سپس در مورد سیاست دولت برزیل و اینکه باید جمهوری اسلامی ایران منزوی شود حرف میزنم.

او میگوید ، نه به عنوان وزیر بلکه به عنوان يك شهروند ، قبلاً کمپین نجات سکینه را حمایت کرده و طومار اعتراضی را امضا کرده است. میگوید دیلما روسوف رسماً به من گفته که به شما بگویم به برزیل خوش آمدید و هر کمکی از دست ما برآید خواهیم کرد. او به حرفهای من در مورد اعدامهای گسترده در ایران ، اعدام کودکان و یا زنانی چون شهلا جاهد ، با دقت گوش میدهد و چشمهایش پر از اشک میشود

ما از موزه ملنیوم ما را در شهر

۱۰ روز هیجان انگیز در ...

و با علاقه و محبت اعلام می‌کند که از ما حمایت می‌کند. در پایان گفتگو از اینکه با دقت فراوان و چشمهایی پر از اشک و با احساس تمام به حرفهایم گوش داد از او تشکر می‌کنم. خبرنگاران وارد سالن میشوند و به عکس گرفتن و انجام مصاحبه با من و او مشغول میشوند. اولین ملاقات که ساعت ۱۱ صبح شروع شده حدود یکساعت طول میکشد.

بعد از این باید به محل سنای برزیل برویم و سناتور پائولو پام را ملاقات کنیم. یک همکار سناتور ما را همراهی میکند و ابتدا وارد سالنی میشویم که بیش از صد نفر در آنجا نشسته اند و یک پانل و از جمله سناتور در حال انجام مذاکره و سخنرانی هستند. می شنویم که تعدادی از مردمی که مشکلاتی دارند اینجا هستند و مذاکرات در مورد مشکلات و اعتراضات این مردم است.

وارد سالن سخنرانی میشویم و سناتور از پشت بلند گو میگوید. اکنون یک تیم از ایران وارد اینجا شدند. مینا احدی مسئول کمیته علییه سنگسار است، شما اسم سکینه را حتما شنیده اید. این کمیته علییه سنگسار فعالیت میکند و بسیار مهم است که از این مبارزات حمایت کنیم. همه حاضرین به ما نگاه میکنند و این برای همه ما جمعی که وارد سالن شده ایم بسیار جالب است.

در اطاقی مجاور محل جلسه ملاقات انجام میگیرد و سناتور پام قول میدهد که قطعنامه ای علیه سنگسار و در محکومیت نقض حقوق انسانی بدهند و سپس میگوید یک نسخه از این قطعنامه را برای شما میفرستم که بدانید فقط حرفش را نرزم بلکه واقعا این کار را میکنیم.

بعد از صرف نهار در یک رستوران، به محل سومین ملاقات میرویم. از بدو ورود ما به برزیل رسانه های اینجا از اینکه بنیاد ملنیوم خواهان ملاقات دیلما روسوف با مینا احدی شده در این مورد حرف میزنند. صبح روز ۴ ماه مه تلویزیون سراسری در برنامه ویژه در مورد بن لادن، در مورد سفر من به برزیل حرف زده و با تعدادی در این مورد مصاحبه میکند و گوینده اعلام میکند که مینا احدی و دیلما روسوف احتمالا ملاقات میکنند و در مورد اینکه داستان زندگی این دو نفر شبیه به هم است حرف میزنند و اینکه روسوف قبلا پارتیزان بوده، ۲۳ روز

از صفحه ۳

این رسانه ها اینجا هستند.

کارت شناسایی میدهم و در حال گذر از بخش کنترل هستیم که یک لحظه برمیگردم و به جمع خبرنگاران نگاه میکنم که می بینم فلاش ها زده میشود و در یک لحظه دهها عکس میگیرند و از همراه خودمان میپرسم، چه خبر است و او میگوید ملاقات را مقامات دولتی به رسانه ها اعلام کرده اند و خبرنگاران برای مصاحبه با تو آمده اند. وارد سالنی میشویم که خبرنگاران آنجا هستند و اولین سوال مطرح میشود، همراه برزیلی ما که مسئول ارتباط با رسانه ها در برازیلیا پایتخت برزیل است، به خبرنگاران میگوید الان خانم احدی مصاحبه نمیکند منتظر اتمام مذاکرات باشید و بعد از آن یک کنفرانس مطبوعاتی است.

به طبقه بالا میرویم و ملاقات با گارسیا شروع میشود.

مرد هفتاد ساله ای را روبروی خودم می بینم که قصد دفاع از فعالیتهای دولت قبلی در رابطه با حکومت اسلامی دارد. یک همراه و یک منشی که همه مذاکرات را می نویسد. ما چهار نفر هستیم و دو هیئت روبروی هم می نشینیم. او از اینکه رابطه آنها با احمدی نژاد و حکومت اسلامی ایران، با هدف تاثیر گذاشتن روی آنها بوده و اینکه سعی کرده اند مثلا در جریان دستگیری کهنوردان امریکایی کمک کنند اینها نجات یابند

و .. حرف میزند و اینکه از کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی، لولا رییس جمهور قبلی خیلی زود در این مورد حرف زد و از سکینه دفاع کرد و ... حرف میزند و من از اینکه در ایران روزانه اعدام میکنند و سنگسار و جنایت جزیی از این سیستم فاشیستی است حرف میزنم و اینکه به این حکومت ابا نباید اعتماد کنند و آنها در مورد کمپین سکینه نشان دادند که به هیچ حرف دولت برزیل وقعی نمی نهند و جنایت جزو سیستم آنها است. من خواهان قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران میشوم و از سرگشتهایی حرف میزنم همچون فرزاد کمانگر و یا شهلا جاهد و میگویم پاسخ این جنایات را چه کسی باید بدهد. میگویم مردم ایران علیه این جنایتان هستند و ما میگوییم که دست از حمایت از حکامات اسلامی

باید برداشت واز مردم دفاع کرد. بهر حال مذاکرات مفصلی است و در پایان او با صحبت مرا در آغوش گرفته و میگوید برای فعالیتهای شما

احترام قائل هستم و امیدوارم همدیگر را ببینیم و من میگویم شاید این بار در نقش رییس جمهور ایران به اینجا بیایم و دیگر احتیاجی به وقت ملاقات نباشد... و هر دو می خندیم.

از محل دفتر کار او با آسانسور پایان میرویم و می بینم خبرنگاران در یک اطاق هستند. همکار ما و مسئول رسانه ای هیئت ما به آنها میگوید الان میتوانید بیایید و مصاحبه کنید. یکباره تعداد زیادی هجوم می آورند و کنفرانس مطبوعاتی شروع میشود. ابتدا من حرف میزنم و بقول پتی یک سخنرانی میکنم و میگویم حکومت اسلامی یک حکومت فاشیست است و باید همه دولتها و از جمله دولت برزیل روابط خود با این حکومت را قطع کند میگویم که دولت قبلی و لولا احمدی نژاد را برادر و دوست خود خطاب کرد و این در اپوزیسیون جمهوری اسلامی ونسل فیس بک با موجی از اعتراض روبرو شد.

دیلما روسوف سنگسار را بربریت خواند و برزیل در ژنو علیه حکومت اسلامی رای داد و جوانان فیس بوکی گفتند آخرین دوست احمدی نژاد هم رفت. میگویم که در ایران یک جنبش عظیم علیه حکومت اسلامی در جریان است و باید از این مبارزات برای سرنگونی حکومت اسلامی دفاع کرد... سوال می‌کند، خواست شما چه بوده. آیا بین سیاست دولت فعلی برزیل با دولت قبلی بنظر شما تفاوت هست. آیا اینها به شما قولهایی دادند...

این کنفرانس مثل یک بمب خبری منفجر شد و فوراً در دهها شبکه خبری و رادیو و تلویزیون خبر این ملاقاتها منعکس شد و تیتیر بسیاری از این شبکه ها اینست: مینا احدی خواهان قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران شد.

ما همان شب با عجله به فرودگاه رفته و در حالی که کم مانده پرواز را از دست بدهیم در آخرین لحظات به فرودگاه میرسیم و به ریو دو ژانیرو پرواز میکنیم. روز بعد جمعه در این دانشگاه سخنرانی دارم. برای مسئولین ملنیوم این موفقیت بسیار بزرگی است که رسانه ها چنین عکس العملی نشان میدهند. رییس موسسه ملنیوم میگوید یک روز مهم و یک روز پر از موفقیت.

روز بعد در دانشگاه ریو دو ژانیرو یک مترجم آلمانی دارم که خانمی است که همسرش برزیلی است و او میگوید رسانه ها بسیار سمپاتی نشان میدهند و این بسیار جالب است. در سالن محل

سخنرانی در دانشگاه ریو بیش از صد دانشجو و تعدادی استاد آمده اند. من سعی میکنم با ذکر مثال و خاطره به نحوی صحبت کنم که برای این جوانان که اکثر آنها دختران جوان هستند خسته کننده نباشد.

در مورد ایران و جوانان در ایران، در مورد سکینه و سنگسار و در مورد قوانین اسلامی حرف میزنم که ضد انسان و ضد حقوق زن هستند. بسیار استقبال میکنند و در پایان یکی از استادان که آلمانی هم بلد است میگوید خانم احدی اینجا طرفداران زیادی دارید و اینها اکنون میخواهند با شما همکاری کنند.

پتی با جوانانی که خواهان همکاری با ما هستند، صحبت میکند و قرار میشود که در اولین فرصت با آنها تماس گرفته و یک جمع ایران سولیدارتی در این دانشگاه تشکیل دهند.

آخرین جلسه در برزیل به پایان میرسد و ما یک روز در ریو دو ژانیرو وقت داریم و شهر و زیباییهای آنرا می بینیم از یک موزه و پارکی که همه درختهای دنیا را در آنجا کاشته اند و از مجسمه بزرگی بر بالای کوه و سپس روز یکشنبه ۸ ماه مه بسوی اروپا پرواز میکنیم. یک هفته پر از هیجان و پر از موفقیت.

رسانه های برزیلی مفصل در مورد این سفر و ویژه در مورد خواست قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران با چاپ عکسهایی از احمدی نژاد حرف زدند. یک موضوع دیگر سرنوشت سکینه محمدی آشتیانی بود و اینکه دولت برزیل کماکان میخواهد برای آزادی سکینه اقداماتی را در دستور بگذارد. موضوع دیگر مرگ بن لادن و تاثیرات آن در جنبش اسلامی و ویژه مباحثاتی در مورد جنبش های انقلابی در مصر و تونس و لیبی و مبارزات گسترده مردم علیه دولتهای دیکتاتور و نظر ما در این مورد بود.

این سفر باعث شد یکبار دیگر ببینیم که مردم در سراسر جهان از انسانیت و آزادی دفاع میکنند و فشار مردم باعث شده که رسانه ها توجه ویژه ای به مبارزه علیه سنگسار و مبارزه علیه جمهوری جنایتکار اسلامی نشان دهند.

استقبال دولت برزیل از ما بسیار جالب بود و بقول یکی از سیاستمداران آنجا، یک علامت و

دفاع از "زندانیان عادی"...

و برخی بعد از چند ماه که این کمپین در راس خبرهای جهان قرار گرفت، فقط اطلاعاتی چند سطر منتشر کردند و خیال خود را راحت کردند. و نهایتاً یک نفر شجاعت بخرج داد و حرف دل همه را زد و آن شیرین عبادی بود که با وقاحت تمام گفت "این داد و قالها از جانب وزارت اطلاعات راه انداخته شده که مساله زندانیان سیاسی به پشت صحنه رانده شود" و در این زمینه بسیار گفت و بافت. ایشان کسی است که تازه خود را مدافع حقوق بشر و مدافع حقوق زنان هم میدانند. یعنی ما کمونیستهای کارگری، و کمیته بین المللی علیه سنگسار و مشخصاً مینا احدی که در راس این کمپین بود و هست، تازه از نظر ایشان یک چیزی هم بدهکار شده و باید از خود دفاع کنیم که چرا خود را به اینچنین کمپینی علیه مجازات قرون وسطایی سنگسار و برای نجات یک زندانی عادی آلوده کرده ایم. برخی رسانه های بستر رسمی نظیر بی بی سی و امثال آنها هم به شیوه مرسوم خود همین تبلیغات کثیف را در بوق و کرنا کردند و شروع به تیر زدن به پای کمپین علیه سنگسار کردند. طبعاً از طیف راست و شخصیتها و ملیای راست بورژوازی انتظار دفاع از حقوق انسانی مردم چندان انتظار بجایی نیست. و علاوه بر بخش مهمی از این سکوت و مخالفتها، دلایل سکتی و فرقه ای داشت و از سر مخالفت با مینا احدی و کمونیسم کارگری بود. اما اینکه طیف راست از زبان امثال عبادی به خود جرات میدهد در روز روشن علیه یک کمپین عمیقاً انسانی، بسیار رادیکال و موفیق و موثر بر علیه جمهوری اسلامی، اینچنین هذیانهایی بیابد، بخاطر جایگاه ضعیفی است که سنتاً دفاع از زندانیان عادی در میان اپوزیسیون حتی طیف چپ دارد. بخاطر اینست که ما کمونیستها نتوانسته ایم به جامعه نشان دهیم که زندانیان عادی بویژه در جمهوری اسلامی، قربانیان مستقیم این رژیم و نظام حاکمند. نتوانسته ایم نشان دهیم که این زندانیان در همه جا و بویژه در ایران امروز بخشی از مردم محروم و طبقه کارگرد. در واقع بخشی از تلفات طبقه ما توسط این نظامند. نتوانسته ایم نشان دهیم و این را به تفکر غالب جامعه تبدیل کنیم که وجود دهها هزار زندانی عادی در ایران امروز، بیانگر

از صفحه ۱

بیمار بودن این جامعه است. نشانگر یک اپیدمی است که انسانها را بیمار میکند. و علاوه بر بسیاری از اینها حتی به همان مفهوم حقوقی معمول در سطح متوسط در دنیا، مجرم نیستند. گناهی نکرده اند و این دستگاه قضائی قرون وسطائی و ضد انسانی و بی رحمانه و فاسد جمهوری اسلامی است که آنها را به دلایل غالباً غیر جزائی به بند کشیده و زیر انواع شکنجه و تجاوز قرار داده است و ابتدایی ترین حقوق انسانی آنها را بی محابا پایمال میکند. بخش زیادی از این زندانیان اصلاً به مفهومی که زندانی عادی شناخته میشود، زندانی عادی نیستند و حتی جرمی که به آنها نسبت داده میشود طبق موازین هیچ جامعه معمولی جرم نیست. خیلی از زنان و دختران به دلیل عدم رعایت حجاب اسلامی دستگیر میشوند و به درون زندانهای عادی گسیل میشوند. اینها در واقع زندانی سیاسی و عقیدتی هستند. خیلی از جوانان به دلیل نوشیدن مشروبات الکلی که در بخش اعظم دنیا مجاز است، دستگیر و زندانی شده اند. بسیاری از آنها جشن و رقص و شادی کرده اند و به عنوان اراذل و اوباش و مفسد دستگیر شده اند. شمار بسیاری از این زندانیان افراد زحمتکشی هستند که برای امرار معاش خود تنها راهی که پیدا کرده اند این بوده که کالاهایی مثل روغن و ساعت و امثالهم را از مرزها از طریق خرید و فروش وارد و خارج کرده اند. نمونه های بسیاری از این نوع "زندانیان عادی" را نیز میتوان در زندانهای جمهوری اسلامی مشاهده کرد. و این خود نشان میدهد که کلام موقله زندانی عادی در جمهوری اسلامی چندان با مفهوم شناخته شده آن تطابق ندارد.

زندانیان عادی بخشی از

مردمند

در مورد زندانیان عادی در ایران تحت حکومت اسلامی میتوان از جنبه های مختلفی نوشت و باید کتابها نوشت. وضعیت زندانیان را باید تا آنجا که امکان گزارش گیری و خبر گیری وجود دارد جلوی چشم جامعه قرار داد. اولین مساله اینست که این زندانیان حتی آنها که بدون هیچ شبهه ای روشن است که جنایتی مرتکب شده اند، خود قربانی اند. نظام و جامعه ای که در آن

اکثریت مردم تحت یک نظام بیرحمانه سرمایه داری و دزدی و شارلاتانیسم و سرکوب و بی حرمتی، مدام در شرایط محرومیت و حسرت و بی حرمت شدن بسر میبرند، صدها هزار کودک خیابانی دارد و اگر کودکان کار را هم بحساب آوریم بنا به یک آمار بیش از ۳ میلیون کودک کار و خیابان دارد، و اکثریت مردم زیر فقر و محرومیت و تحقیر و توهین دارند مجاله میشوند، عامل اصلی سوق دادن افراد به ناهنجاری و جرم و جنایت است. فقط کافی است انسان به کودکان خیابان فکر کند تا متوجه شود منشاء جرم و جنایت چیست. کافی است انسان تصور کند این کودکان بی گناه در این جامعه گذشته از هر چیز، در چه شرایط مساعدی برای قربانی شدن و کشیده شدن به جرم و جنایت قرار دارند. و سوال اینست که گناه آنها واقعاً چه فقر خانواده هایشان چیست؟ وقتی از همین زاویه به کل جامعه و شرایط جهانی ای که به اکثریت مردم تحمیل کرده اند نگاه کنیم متوجه میشویم که این حکومت و این نظام در راه بیشتر پیش روی افراد قرار نمیدهد: یا دست به مبارزه علیه این نظام بزنند و یا به قربانیان آن تبدیل شوند. البته راه سومی هم هست که در راستای همان راه دوم قرار میگیرد و آن تبدیل شدن به پیچ و مهره ساکت و بی اختیار همین نظام است. نهمساله اینست که در جمهوری اسلامی بهیچ وجه نمیتوان به مجرم بودن زندانیان در هیچ سطحی مطمئن بود. همانگونه که اشاره شد بسیاری از زندانیان عادی مجرم نیستند. بجز آنها که به دلیل زیر پا گذاشتن قوانین جمهوری اسلامی مثل حجاب و یا نوشیدن مشروبات یا رقص و شادی و جشن دستگیر میشوند، شمار زیادی از زندانیان قربانی مستقیم توطئه و دسیسه های حکومت و ایادی حکومت و ساخت و پاختها با حکومتیان هستند. دستگیری افراد بدون هیچ نرم و ضوابط حقوقی عادلانه و بسیار فله ای و دلخواهی انجام میشود. سیستم قضائی جمهوری اسلامی که این زندانیان را محکوم میکند، خود یک سیستم فاسد، و سرکوبگر و بی ربط به سیستم قضائی با ابتدایی ترین استانداردهای امروز است. اعتراف گرفتن زیر شکنجه یکی از شیوه های معمول این نظام حتی برای زندانیان عادی است. از این نظر جمهوری اسلامی در سطح جهان رکورد

دار است که حتی زندانیان عادی را عموماً زیر شکنجه قرار میدهد، از وکیل و دفاع و دادگاه در حد استاندارد پذیرفته شده بین المللی محروم میکند، و احکامی که صادر میکنند دلخواهی، مبتنی بر احکام و احادیث و کتب اسلامی و تشخیص قضاتی است که هیچ چیز از قضاوت جز احکام قضائی اسلامی و برگرفته از سنتهای قبایل وحشی دوره جاهلیت نمیدانند. و حتی از این نظر هم از یک سیستم سراسری مثلاً اسلامی پیروی نمیکنند بلکه هر آخوند و قاضی ای در حوزه تحت نفوذ خود نسبت به زندانیان فعال ما پشاه است و دست به هر جنایتی میتواند بزند. اعدام عاطفه رجعی دخترک جوانی که وقتی دستگیر شد ۱۶ سال بیشتر نداشت و توسط قاضی و همدستانش بارها مورد تجاوز قرار گفت و بعد برایش شناسنامه ۲۲ ساله درست کردند و بعنوان زنا کار طناب دار را به گردنش انداختند برآستی یک جنایت بسیار بسیار تکان دهنده است که باید مدام جلوی چشم قرار داد. اما حتی این حد از جنایت و بی رحمی هم تنها نمونه نیست. اعدام دلارا دارابی که در زیر سن قانونی به جرم قتل دستگیر شده بود و بعد علیرغم شواهد بسیار بر بیگناهی او را در اول مه سال ۸۸ برای مرعوب کردن کارگران و جامعه اعدام کردند و حتی اجازه ملاقات با خانواده اش قبل از اعدام را هم به او ندادند یک نمونه تپسیک و

۱۰ روز هیجان انگیز در ...

سیگنال به جمهوری اسلامی بود و پاسخ من به یک خبرنگار در کنفرانس مطبوعاتی که پرسید آیا در این نشست ها به شما قولهایی داده شد که حکومت برزیل از شما دفاع کند و من گفتم مستقیم نه ولی همین که مرا در این سطح پذیرفتند یک علامت به احمدی نژاد و حکومتش دادند. و این علامت از سوی دولتی بود که یکی از مهمترین کشورها در امریکای لاتین است. سفر ده روزه ما به برزیل، برای خود من یک اتفاق سیاسی مهم بود. استقبال کم نظیر مردم از مبارزات مردم ایران علیه یک حکومت فاشیست اسلامی، رسانه ها را به انعکاس وسیع این سفر و مصاحبه های متعدد با ما سوق میداد و در نهایت ملاقات با مقامات حکومتی نشان داد که دولت برزیل در صد

فراموش نشدنی و بسیار دردناک دیگر است. طی این سالها متأسفانه از این نمونه های بسیار ترازیک و غیر قابل هضم و باورنکردنی بسیار شنیده ایم. اما ای کاش اینها تنها نمونه ها بودند. وضعیت زندانیان جمهوری اسلامی نیز از فرط نا امنی و بی حقوقی زندانیان و شرایط بی رحمانه برآستی قابل توصیف نیست. این روزها یکی از زندانیان سیاسی در نامه ای به خامنه ای گزارشی از وضعیت زندانیان عادی زندان گوهر دشت داده بود که گوشه های تازه ای از وضعیت درون کل زندانهای جمهوری اسلامی را جلوی چشم قرار میدهد. این زندانی بنام مهدی محمودیان از جمله از قول یکی از شاهدان میگوید که یکی از زندانیان طی یک شب هفت بار مورد تجاوز توسط برخی زندانیان دیگر قرار گرفت و بعد که به مقامات زندان شکایت کرد او را به یک سلول منتقل کردند و به تجاوز کنندگان حتی یک تذکر هم داده نشد. از خرید و فروش زندانیان جوان مرد برای استفاده جنسی زیر چشم مقامات زندان نمونه می آورد. از ورود آزادانه و خرید و فروش گسترده مواد مخدر میگوید. و از اینکه شکنجه و کتک زدن وحشیانه و فحاشی مدام به زندانیان که روال عادی همه زندانیان حکومت است. (درست در لحظه انتشار این نوشته در گزارشها خواندم

صفحه ۵

از صفحه ۳

تغییر سیاست خود با حکومت اسلامی ایران است. من در مصاحبه با یک روزنامه برزیلی گفتم که تصمیم در مورد قطع رابطه با ایران طبعاً یک تصمیم مهم از سوی دولت برزیل است، اما زمینه های این حرکت در این کشور فراهم است. این سفر آغاز کار ما بود که با توجه میلیونی مردم روبرو شد. باید این فعالیتها را ادامه داد و باید جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یک حکومت آپارتاید جنسی و حکومت جنایتکار واقعاً منزوی کرد. فقط یک نمونه از افشاگریهای هفته اخیر در ایران در مورد بی حقوقی زندانیان و جنایات این حکومت در زندانها کافی است که دستور دستگیری و محاکمه این جانیان داده شود.

مینا احدی، کلن - ۱۱ مه ۲۰۱۱

بازتاب هفته



بهروز مهر آبادی

تشدید بحران و از سرگیری اعتراضات در یونان

"مردم یونان باید سختی را تحمل کنند و بدهی خود را بپردازند"، "چرا ما باید جور مردم یونان را بکشیم". این محور اصلی تبلیغاتی بود که در بسیاری از رسانه های دولتی و رسمی اروپای غربی بعد از اعتصاب سراسری روز ۲۱ اردیبهشت و تظاهرات گسترده مردم یونان، به راه افتاد. بیکار سازی روزافزون، بالا بردن مالیات حقوق بگیران و مالیات کالاهای مصرفی، کاهش حقوق بازنشستگی، متوقف ساختن افزایش حقوق ها، کاهش چشمگیر خدمات اجتماعی نظیر امکانات درمانی و آموزشی، جامعه یونان را تبدیل به آتشفشانی کرده است. بدهی سرسام آور دولت و وابستگی آن به سیاست های صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا امید هر گونه بهبود در شرایط زندگی مردم را در شرایط سیاسی - اقتصادی موجود برای سالهای سال از بین برده است. فراهوان به اعتصاب سراسری توسط اتحادیه های کارگری و کارمندی یکی دیگر از لحظات انفجاری را بوجود آورد که در طول دو سال اخیر بارها در یونان تکرار شده. در روز ۲۱ اردیبهشت (۱۱ مه) مدارس و ادارات تعطیل شد و سیستم حمل و نقل کشور متوقف گردید. پلیس و نیروهای ضد شورش تمام نیروی خود را بسیج کرده، در تمام مناطق شهرها مستقر شده و رفت و آمد به امکانی نظیر پارلمان، وزارت اقتصاد و وزارت کار را مسدود کرده بودند. ممانعت پلیس از گسترده شدن تظاهرات مردم منجر به درگیری گردید. پلیس ضد شورش با گاز اشک آور به مردم حمله کرد و مردم در مقابل حمله پلیس به دفاع از خود برخاستند. بر اساس گزارشات رسمی حداقل ۱۷ نفر زخمی شده اند که صدمات وارده به بعضی از آنها جدی است و دهها نفر از مردم توسط پلیس بازداشت و زندانی شده اند. گفته می شود نزدیک به دو میلیون نفر در این اعتصاب و صدها هزار نفر در تظاهرات های اخیر در شهر

های مختلف یونان شرکت داشتند. روزنامه آلمانی اشپیگل در روز ۱۶ اردیبهشت خبر احتمال کناره گیری یونان از اتحادیه پولی اروپا و بازگشت به واحد پولی قبلی آن کشور - دراکما - را اعلام کرد که بلافاصله ارزش سهام را در بورس های اروپا و همچنین قیمت یورو را پایین آورد. این می توانست به معنای امتناع دولت یونان از بازپرداخت وام های خود تلقی شود. این اتفاق قبلا در ایسلند و بر اثر فشار مردم افتاده بود. اما میزان وامهای دولت یونان دهها برابر بیشتر از ایسلند است و این می تواند ضربه سنگینی به اتحادیه اروپا باشد. چندی قبل موسسه تحقیقاتی اقتصادی آلمانی "اینفو" ورشکستگی بانکهای یونان را حتمی اعلام کرده و خروج یونان از یورو را توصیه کرده بود تا در دراز مدت ضربه کمتری به یورو زده شود. در حال حاضر میزان بدهی های دولت یونان به ۳۵۰ میلیارد یورو برآورد می شود. این دولت برای پرداخت بهره وام ها و مخارج روزمره خود به ۵۰ میلیارد یورو احتیاج دارد. وامی به مبلغ ۱۱۰ میلیارد یورو که یک سال پیش به دولت یونان پرداخت شد نتوانست کمکی به اقتصاد ویران این کشور باشد. بر خلاف پیش بینی هایی که یک سال قبل مطرح می شد هیچ منبع خصوصی حاضر به پرداخت وام به دولت یونان نشده است. دولت های اتحادیه اروپا بررسی پرداخت وام بیشتر و دادن تسهیلات و کمک های بیشتری را به دولت یونان بررسی می کنند اما پرداخت این مبالغ باز هم به قیمت افزایش مالیات ها و سختگیری بیشتر به حقوق بگیران در سایر کشورهای اروپایی بویژه در آلمان خواهد شد. مزد بگیران آلمانی، فنلاندی، سوئدی و ... باید در کنار مردم یونان هزینه فساد مالی، سوء استفاده و دزدی های بانکدارها و موسسات مالی بین المللی را بپردازند. دولت های اروپایی و رسانه های آنها این مسئله را تبدیل به یک حربه تبلیغاتی بر علیه اعتراضات بحق مردم یونان کرده اند و تلاش دارند موسسات بزرگ سرمایه داری را که هزاران میلیارد دسترنج مردم کشورهای مختلف را به غارت برده اند، از زیر ضرب خارج کنند. بعد از یونان فعلا کشورهای پرتغال، ایرلند در صف ایستاده اند. کاهش بهره وام ها و دادن تسهیلات

مالی به یونان این در خواست را از جانب دول این کشورها نیز بوجود می آورد. آنها هم هر کدام زیر بار وام های کلان کمر خم کرده اند و در بحران عمیق اقتصادی دست و پا می زنند. سه هفته قبل شایعه امتناع پرتغال از بازپرداخت وامهایش بازارهای اقتصادی اروپا را دچار یک بحران کوتاه مدت کرد. این به استیصال و سردرگمی رهبران اتحادیه اروپا افزوده است. خروج یونان، پرتغال و ایرلند از اتحادیه پولی اروپا - یورو - ضربه ای سنگین به آن خواهد بود و حتی می تواند موجودیت آن را به خطر اندازد. از طرف دیگر پرداخت وام های بیشتر به این کشور ها علاوه بر اینکه چشم اندازی به بازپرداخت آن نیست، بار و فشار بیشتری بر شانه مردم کشورهای قدرتمند اروپایی بویژه کارگران خواهد گذاشت و موجب نارضایتی بیشتر آنها و گسترش اعتراضات خواهد شد. رهبران اتحادیه اروپا نمی خواهند شاهد وقایع روز چهارشنبه آن در خیابانهای برلین، فرانکفورت، پاریس و یا استکهلم باشند. اما عمیق شدن و گسترش بحران سرمایه داری به همان اندازه اجتناب ناپذیر است که گسترش اعتراضات در سایر شهرهای اروپا. اعتراضات مردم یونان می تواند یک مقدمه برای این شروع این دوره جدید بحساب آید.*

آنجا که بردگی جنسی و تجاوز به کودکان قانونی است!

هزاران دختر بچه خردسال از موریتانی و یمن توسط ثروتمندان عربستان بعنوان بردگان جنسی خریداری می شوند. این خبر دهشتناک در اسناد تازه منتشر شده ویکی لیکس بچشم می خورد. این کودکان بین ۵ تا ۱۲ سال سن دارند و وقتی سن آنها بالا رفت در اختیار مراکز فحشا قرار می گیرند. این خبر را روزنامه تروژی افنون پستن منتشر ساخت. سانا یوهانسون رئیس منطقه خاورمیانه ای سازمان نجات کودک در مصاحبه ای پیرامون این خبر مطرح ساخت که ازدواج با کودکان و همچنین ازدواج موقت یمن را به قبله توریسم جنسی برای ثروتمندان عربستان تبدیل کرده است. ثروتمندان عربستان به آنجا سفر می کنند تا در پوشش ازدواج موقت به تجارت سکس کودکان بپردازند. یکی از فعالین بر علیه فروش سکس و تجارت انسان اهل موریتانی اظهار می دارد که شکارچیان سکس به سراغ خانواده های فقیر در موریتانی رفته و

آنها را وادار می کنند تا دخترانشان را به ازدواج ثروتمندان سعودی درآورند. هر چه این کودکان جوانتر باشند، قیمت آنها بالاتر است. قیمت ها رقی می در حدود ۱۵ هزار یورو است. پدوفیلی و سوء استفاده جنسی از کودکان در بسیاری از کشورها ممنوع است و جرم محسوب می شود. اما قوانین اسلامی این جنایت آشکار را قانونی و مجاز اعلام کرده و آنچه که "ازدواج کودکان" نامیده می شود، امری رایج در کشورهای زیر سلطه حکام اسلامی است. فقر و فلاکت مردم را به همراه قوانین اسلامی می توان عامل دیگر ادامه این وضعیت دانست. انتشار خبر فوق بار دیگر به جهانیان فاجعه ای که جان و زندگی هزاران دختر خردسال را نشانه رفته است، گوشزد می کند. تصاویر دخترکان افغان را در کنار "شوهرانی" که از پدربزرگشان مسن ترند، را به فراوانی می توان روی سایت های اینترنتی مشاهده کرد. و به این تصاویر باید فیلم های تکان دهنده از کودکانی

دفاع از "زندانیان عادی" ...

که مهدی محمودیان به دلیل نوشتن این نامه و افشای وضعیت فجیع زندان گوهر دشت به سلول انفرادی منتقل شده و خانواده اش از او هیچ خبری جز این ندارند

این ها و بسیاری جنبه های دیگر دارد این را تاکید میکنند که ما کمونیستها باید دفاع از "زندانیان عادی" را نیز یک عرصه دائم و مبرم مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی قرار دهیم. باید از حقوق مدنی همه افراد جامعه فعالانه دفاع کرد. دستگیری های فله ای و بی حساب و کتاب را افشا و محکوم کرد. شرایط غیر انسانی زندانها را باید افشا نمود و حقوق زندانیان را مورد تاکید قرار داد. باید نقش جمهوری اسلامی و فقر و محرومیت و بی حرمت کردن مردم و کلا نقش نظام ناعادلانه و ستمگرانه سرمایه داری در سوق دادن افراد به جرم جنایت و اقدامات ضد اجتماعی را جلوی چشم همه مردم گذاشت. سیستم قضائی جمهوری اسلامی را باید وسیعا افشا کرد و بطور کامل بی اعتبار اعلام کرد. باید سنت انتقام گیری و انتقامجویی که فلسفه و پایه سیستم قضاوت در جمهوری اسلامی و بسیاری از حکومتهای سرمایه داری و سرکوبگر دیگر است را بعنوان یک سنت ضد انسانی که خود مجرم تولید میکند و ذهنیت رایج بسیاری از مردم

که مورد تجاوز "شوهر" قرار گرفته و نتشان بر اثر شکنجه و آتش فندک و سیگار سوخته است، افزود. این صحنه ها را به فراوانی می توان در کشورهای نظیر پاکستان، سومالی، سودان و ایران نیز دید. بنابه آمار رسمی منتشر شده سال گذشته فقط در استان هرمزگان ۶ مورد ازدواج دختران زیر ۱۰ سال و بیش از ۵۰۰ مورد ازدواج کودکان زیر ۱۴ سال ثبت شده است. هر روز هزاران دختر بچه خردسال بطور شرعی و قانونی مورد تجاوز و شکنجه قرار می گیرند. متأسفانه در شرایط کنونی عمدتاً فقط نهاد های معدود حمایت از کودکان و حقوق انسانی هستند، که به این شرایط اعتراض می کنند. اما این جنایت قانونی یعنی بردگی جنسی کودکان تاکنون هیچ تاثیری در روابط دیپلماتیک و تجاری دولت با حکومت های اسلامی نداشته و هیچ دادگاه حقوق بشر در جهان عاملان این جنایات را مورد پیگرد و محاکمه قرار نداده است.*

از صفحه ۵

در جامعه است، افشا کرد و کنار زد. این سنت طی قرون و اعصار و نسلهای متعددی وجود داشته نسل به نسل توسط نیروهای مرتجع حفظ شده و تبلیغ شده است و زمینه و عامل مهمی در سلطه اقلیت های مرتجع است.

دفاع از "زندانیان عادی" و پافشاری بر حقوق آنها بخشی از مبارزه برای دفاع از حقوق انسانی در جامعه است. بخشی از مبارزه برای سوسیالیسم و جامعه مرفه و آزاد و برابر است. ما بر این تاکید کرده ایم که با سرنگونی جمهوری اسلامی کل پرونده های همه زندانیان بدون استثنا باید مجدداً گشوده شود و در یک شرایط حقوقی انسانی این زندانیان باید امکان یابند و بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. قطعاً بسیاری از این زندانیان در چنین روندی آزاد خواهند شد و باید به آنها خسارت پرداخت شود. نباید تردید داشت که از خلال این مبارزه و این دفاع بی تردید از زندانیان عادی است که میتوان جمهوری اسلامی و کل نظام سرمایه داری را همه جانبه تر افشا کرد، و تصویر یک جامعه آزاد و انسانی و سوسیالیستی را بطور همه جانبه تر جلوی چشم جامعه قرار داد.*

بازتاب هفته

مسئولان، بیایید همدیگر را لعنت کنید!

یاشار سهندی

"عنوان این نوشته برگرفته از نوشته ای در سایت حکومتی "پارسینه" میباشد که در سایت آینده نیوز با این عنوان منتشر شده بود. پیشنهاد ارائه شده که "مسئولان بیایید همدیگر را لعنت کنید" پیشنهادی دولت ماندنی است به دار دسته خامنه ای و احمدی نژاد که همدیگر را بعد از خواندن وردی هفتاد بار لعنت کنند تا طرفی که حق با او نیست خدا جزا دهد! این کار در اسلام نامش "مباهله" است. به گفته این نوشته يك زمانی محمد خواسته حال مسیحیان را بگیرد و چنین پیشنهادی داده و گویا آنها وقتی دیدند که محمد خانوادگی آمده که چنین کنند یا پس کشیدند! به زعم این نویسنده این سایت این سنت "حسنة اسلامی" جا دارد احیا شود تا روی يك طرف کم شود! در نوشته مزبور آمده است که: در چند هفته ی اخیر، اختلاف میان بعضی گروه ها و جریان های سیاسی به شکلی نگران کننده بالا گرفته است. همگان شاهدیم که این اختلاف از سطح سیاست گذر کرده و به وجهی ایدئولوژیک ارتقا یافته است؛ آنچنان که کار به استفاده از ابزارهای اعتقادی تکفیر و تفسیق نیز انجامیده است. این در حالی است که نه تنها نوع گفتمان در دو سو متفاوت است، بلکه هرگونه بحث و مناظره نیز باعث سوء تفاهم و فاصله بیشتر می شود. به عنوان پیشنهاد راهی برای آگاهی همگان از میزان اعتماد اشخاص و جریان های سیاسی به صحت و سقم باورهایشان، و نیز پایان اختلافات و هجمه های فرسایش گر سیاسی، و عیان شدن گروه و جریان حق و روسیاهی جریانات باطل، گروه های متخاصم را به ترک دولت های بدخیم سیاسی و احیای سنت حسنة ی «مباهله» دعوت می کند. اختلافات بین آقا و دکتر با پیداشدن سر و کله ایشان بعد از مدتی غیبت و شایعه استعفا، نه تنها کاهش نیافته بلکه اوج هم گرفته

است. چنانکه در حضور آقا رسما و مستقیما احمدی نژاد تهدید شده، صدیقی امام جمعه تهران در مراسم سینه زنی برای فاطمه گفته است: "این شجره و جریان ولایت و ولایت فقیه عالیقدر، الهی است و حفظ و حراست آن نیز الهی است و اگر کسی نسبت به آن خدشه و یا دهن کجی کند بی شک منکوب و حقیر خواهد شد... آقای عزیز این مملکت دولت موقت دیده است، بنی صدر دیده است، شما که در برابر آنها چیزی نیستید." البته ایشان قبلا در نماز جمعه نمازهای احمدی نژاد را باطل اعلام کرده بود تا بعد حکم ارتدادش را صادر کند و بعد...! کیهان میگوید این همه هزینه برای این دولت لزومی ندارد، هاشمی رفسنجانی به گفته دخترش فائزه، زانوی غم بغل گرفته است، اصلاح طلبان جایی برای خود دیگر در این حکومت پیدا نمی کنند. آقا و اطرافیان ایشان هر چقدر نعره میزنند که ولی فقیه نماینده مستقیم خدا است طرف گوش بدهکار نیست. نماینده مجلس از احمدی نژاد میخواهد توبه کند. طرفهای آقا اسناد دزدیهای نزدیکان دکتر را منتشر میکنند. البته فعلا نزدیکان تا بعد مستقیم دست خود ایشان را رو کنند. اطرافیان دکتر نیز تهدید به افشاکاری میکنند و خود احمدی نژاد میگوید لیست بلند بالایی به قوه قضاییه داده که اینها همه دزدند قوه قضائیه گفته خودمان میدانیم احتیاج به گفتن شما نیست! با این تفاسیر به نویسنده مطلبی که پیشنهاد کرده بود مسئولان بیایید همدیگر را لعنت کنید حق میدهم. چون هیچ راهی جلو روی اینها نیست. نه راه پس دارند به راه پیش. اما واقعیت آن است که نه "مباهله" نه حتی دولت بله سبک اروپایی قرون وسطی هیچکدام گرهی از این حکومت نخواهد گشود. بلکه گرههای بیشتر بر کارش خواهد زد. فی الواقع الان هم دو طرف دارند مباهله میکنند. منتها يك لعنت خشک و خالی نیست تهدید به قتل هم چاشنی آن است. اما جزای که این حکومت در انتظار آن است نه از

سوی خدا بلکه از سوی مردم حکم آن صادر میشود و اجرا میگردد و فی الواقع مقدمات اینکار فراهم شده است و همین واقعیت است که در راس این حکومت شکافی عمیق ایجاد کرده است.*

جنگ و گریز مردم با رژیم اسد در سوریه

انقلاب مردم سوریه برعلیه رژیم دیکتاتوری اسد وارد هفتمین هفته خود شده است. براساس آخرین اخبار گزارشات رسانه های معتبر جهانی دولت سوریه جنگی تمام عیار را برعلیه مردم آغاز کرده است. هزاران سرباز، نیروهای ویژه و با صدها تانک و هواپیما و تجهیزات مدرن سرکوب، رسما و علنا سرکوب انقلاب را آغاز کرده اند. شهرهای درعا، بانیا، حمص و حما از جمله شهرهایی هستند که در محاصره کامل تانک ها قرار داشته و حشیانه ترین سرکوب ها در این شهرها از طرف دولت و ارتش سازمان داده شده است. در درعا بنا به برخی گزارشها بیش از ۴۰۰ نفر کشته و هزاران نفر دستگیر شده اند! در بانیا تانک ها تمام شهر را زیر آتش گرفته ، آب و برق و ارتباطات را قطع کرده و مرتکب وحشیانه ترین جنایات بر علیه مردم شده اند. شهرهای حمص و حما در روزهای اخیر شاهد رویایی انقلاب مردم با سرکوبگران دولتی بوده و می باشد. گزارشها گویای اینست که شمار بسیاری در این شهر کشته و بیش از ۵ هزار نفر دستگیر و به زندانهای مخوف اطراف دمشق منتقل شده اند. ابعاد جنایات و وحشیگریهای رژیم سوریه یادآور بربریت و خشونت و ظرفیت های سرکوبگر برادران اسلامی حاکمشان در ایران می باشد. هفته گذشته مراجع جهانی ناچار شدند در برابر بربریت و وحشیگریهای رژیم سوریه واکنش نشان بدهند. سازمان ملل و صلیب سرخ اعلام کردند که آماده کمک به مردم در شهر درعا و بانیا می باشند. رژیم سوریه رسما اعلام کرد که اجازه این کار را نخواهد داد. سازمانهای حقوق بشر ابعاد سرکوب و دستگیریها را بی سابقه اعلام کرده اند. اتحادیه اروپا روز سه شنبه همین

هفته ماهراسد برادر رئیس جمهور سوریه ، رامی مخلوف پسردایی بشار اسد و علی مملوک رئیس سازمان امنیت سوریه را به علت سرکوب معترضان در لیست تحریم های مسافرتی و بلوکه کردن دارایی ها قرار داد. اتحادیه اروپا اعلام کرد علاوه بر این افراد ۱۰ تن دیگر از آمران و عاملان سرکوب مخالفان بشاراسد نیز تحریم شده اند. بر اساس این تحریم ها حساب های مالی این افراد بلوکه شده است و ورود آنها از جمله ماهر اسد - عامل اصلی سرکوب معترضان - به اروپا ممنوع شده است. همچنین رئیس سازمان امنیت سیاسی ، رئیس سازمان امنیت در بانیا ، رئیس سازمان امنیت نظامی ، رئیس امنیتی نیروی هوایی ، رئیس سازمان امنیت دمشق ، و همچنین فواز و منذر اسد از اعضای شبه نظامیان هوادار دولت را تحریم کرده است. البته در بیانیه اتحادیه اروپا اسمی از بشار اسد که سردسته و فرمانده اصلی سرکوبها می باشد، نامی نبرده و فعلا وی را از دایره شمول تحریمهایش کنار گذاشته است. همزمان آمریکا هم خواهان پایان دادن به سرکوبها شده است. رژیم سوریه در واکنش به اعلام تحریم ها اعلام کرد که عاملان شلیک به سمت معترضان "گروهک های مسلح" می باشند! همان ادعایی که جمهوری اسلامی و خامنه ای در سرکوب مبارزات مردم ایران طرح کرده اند. در همین هفته یکی از چهره های اپوزیسیون سوریه اعلام کرد که نظام سوریه از ایران تک تیرانداز وارد کرده است آنها در شهر درعا مستقر شدند. وی تاکید کرد: "اتوبوس هایی حامل نیروهای حزب الله شبانه وارد سوریه شدند. درگیری

هایی میان مردم و نیروهای گمنام روی داد و پزشکان سوری تایید کردند هویت این افراد لبنانی است." اما علیرغم این همه توحش و جنایت، انقلاب مردم به راه خود ادامه می دهد. اعتراضات انقلابی مردم تقریبا تمام شهرهای بزرگ را در بر گرفته است. از روز شنبه تا روز دوشنبه هفته ای که گذشت نیروهای دولتی دهها نفر را در شهر بانیا کشته و بیش از ۶۰۰ نفر را بازداشت کرده اند. منطقه "المعظمیه" در نزدیکی پایتخت سوریه شاهد تظاهرات های مردم و سرکوبگریهای وحشیانه بوده است. شاهدان عینی خبر از سرکوب گسترده؛ خانه گردی و دستگیریهای گسترده در این منطقه که در کنار پایتخت می باشد، خبر می دهند. در غرب سوریه فعالان حقوق بشر می گویند تانک های ارتش و تک تیر اندازان دست کم شش نفر را در محله باب عمرو در حمص سومین شهر بزرگ آن کشور، کشتند. نیروهای سوری شهر حمص را بعنوان بخشی از عملیاتی که روز دوشنبه آغاز شد، محاصره کرده اند. دباب عمرو منطقه جنوب درعا عملا منطقه جنگی اعلام شده و حملات ارتش به مردم ادامه دارد. درعا به سمبل و سنگر انقلاب تبدیل شده است. مردم در تظاهراتهایشان روی پلاکاردهای بزرگ و در حمایت از انقلاب و مردم درعا نوشته اند: همه جا درعاست، ما درعایی هستیم! انقلاب مردم سوریه وارد حساسترین و تعیین کننده ترین لحظات خود شده است. کل کشور عملا در جوشش و انقلاب و التهاب است. همه جا رسما حکومت نظامی است. با این وجود جنگ مردم برای به زیر کشیدن رژیم اسد ادامه دارد.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمل ها تماس بگیرید

دو آمریکا و کانادا
 ۰۰۱-۶۱۶-۷۸۸۳۶۶ : تلفن
 ۰۰۱-۶۱۶-۶۷۱۷۶۸ : ایمل
 babakyazdi@yahoo.com

زی اروپا
 ۰۰۳۵-۲۷۲۸۱۸۶ : تلفن
 zariatal@yahoo.ca : ایمل

انتشارات نسیم : تلفن : ۰۰۴۹-۷۳۳۸۹۱۷۰
 ایمل : nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان) : تلفن : ۰۰۴۴-۷۹۵۰۹۲۴۴
 ایمل : jallilu@yahoo.com

مهن کونیا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۰۱۱۷۲۲۵۰۰۵۹
 ایمل : mahinkusha@t-online.de



کارل مارکس

(کا پیتال)

عجل فرمائید

ترجمه جمشید هادیان

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

صدای زندانیان سیاسی باشیم ...

شیوا محبوبی



سیاسی سابق است و از سال ۶۳ تا سال ۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی بوده است. او خود مورد شکنجه های وحشیانه جمهوری اسلامی قرار گرفته و از نزدیک شاهد و در جریان اعدامها و جنایات بیرحمانه جمهوری اسلامی در دهه شصت بوده است. همکار ما بهروز مهرآبادی با شیوا محبوبی در مورد وضعیت زندانیان سیاسی در ایران، کمپین ها و مبارزاتی که برای آزادی زندانیان در جریان است و همچنین فعالیت های "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" به گفتگو پرداخته است:

بهروز مهرآبادی: شیوا محبوبی از ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) آغاز می کنیم که روز حمایت از زندانیان سیاسی نام گرفته است و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مشغول فعالیت برای برگزاری هرچه گسترده تر این روز است. چه اهدافی برای این حرکت در نظر دارید؟

شیوا محبوبی: ما به طور عموم در رابطه با آزادی زندانیان سیاسی حرکتی متنوع و موثری انجام داده ایم؛ در واقع هر روز روز دفاع از زندانیان سیاسی است اما ۲۰ ژوئن مقداری ویژه تر میباشد. وقتی شما روز معینی را برای یک موضوع انتخاب میکنید توجه بیشتری به مسله جلب میکنید. هدف از برگزاری ۲۰ ژوئن، روز جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی، اینست که همه یکصدا خواسته آزادی زندانیان سیاسی را در سطح دنیا در یک روز معین هر چه رساتر و موثرتر منعکس کنیم تا بتوانیم توجه سازمانهای جهانی را جهت تحت فشار قرار دادن رژیم هر بیشتر و موثرتر جلب نماییم. ۲۰ ژوئن روزی است که ما باید صدای زندانیان سیاسی باشیم. تا حال تعدادی از نهادها و شخصیتهای مترقی و مدافع آزادی زندانیان سیاسی از این حرکت سراسری حمایت کرده اند؛ تظاهراتی در برخی از کشورها فراخوان داده شده و قرار است تعداد بیشتری به این تظاهرات پیوندند. افراد میتوانند به طرق مختلف در این روز شرکت کنند، میتوانند تظاهرات شرکت کنند، تظاهرات فراخوان بدهند، شب همبستگی با زندانیان در شهر خود برگزار کنند، توجه دوستان و آشنایانشان را در این روز به وضعیت زندانیان جلب کنند،

زندان با هزار مشکل نامه به مردم جهان مینویسد طبعاً به اهمیت و تاثیر فشار بین المللی واقف است.

مورد منصور اسانلو نمونه ایست که نشان میدهد تحت فعالیتهای وسیعی که در خارج از کشور صورت گرفته است اسانلو به یک چهره شناخته شده تبدیل شده است و چند اتحادیه کارگری بزرگ دنیا از او پشتیبانی کرده اند. مورد سکینه آشتیانی مورد دیگری است که با اعتراضات جهانی جلوی سنگسارش تا حال گرفته شده است. سکینه آشتیانی بنابر تعریف زندانی سیاسی نیست اما کمپینی که برای نجات جاننش براه افتاد و هنوز هم در جریان است نشان دهنده موثر بودن اعتراضات و حمایت بین المللی است.

بهروز مهرآبادی: آیا آماری از زندانیان سیاسی و زندانها وجود دارد؟ چند نفر زندانی سیاسی داریم؟

شیوا محبوبی: متأسفانه آمار دقیقی از زندانیان سیاسی وجود ندارد. رژیم بسیاری را مخفیانه دستگیر میکند، خانواده ها را تهدید میکند که هیچگونه اطلاعاتی از عزیز دستگیر شده شان به دیگران ندهند. رسانه های جهانی و سازمانهای جهانی عموماً امکان تهیه آمار و ارقام را ندارند. چرا که اجازه ورود به ایران را ندارند. برخی از زندانیان را بعد از مدتی آزاد کرده اما مجدداً بی سرو صدا دوباره دستگیر میکنند. هزاران زندانی سیاسی در حال حاضر در زندانهای شهرهای مختلف ایران هستند. چند آمار پنج یا سه هزار نفره تنها از دستگیر شدگان دو سال اخیر منتشر شده است اما این تنها بخشی بسیار کوچکی از آمار واقعی تعداد زندانیان سیاسی است. ما سعی کرده ایم هر تعداد اسامی که به دستمان میرسد را در دفاع از زندانیان سیاسی در ملاقاتهایمان با سازمانهای جهانی و بشردوستان و همچنین در فعالیتهایمان مطرح نماییم. در ملاقاتهایمان با سازمانهای جهانی گفته ایم که جامعه بین المللی باید رژیم اسلامی را وادار کند که اسامی زندانیان سیاسی در زندان را اعلام کند چرا که این کمک زیادی میکند به تحت فشار گذاشتن رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی. من همین جا مایلم از همه خوانندگان شما بخواهم که اگر از دستگیری افراد خبر دارند مشخصات این افراد را برای ما ارسال کنند تا بتوانیم با ارائه تعداد هر چه بیشتر این آمار توجه جهانیان و سازمانهای بین

المللی را به وضعیت زندانیان سیاسی جلب کنیم. از طرفی زمانی که اسامی زندانیان سیاسی در سطح علنی مطرح میشود رژیم در صدمه زدن به زندانی محدود تر میشود. کسانی که در خارج از ایران زندگی میکنند میتوانند از طریق دوستان و آشنایانشان در ایران در رابطه با زندانیان سیاسی و وضعیتشان خبر رسانی کنند.

بهروز مهرآبادی: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ماه اکتبر ۲۰۱۰ کارزار "من صدای او هستم" را اعلام کرد، این کارزار چیست و چقدر موثر بوده؟

شیوا محبوبی: این کارزار تلاش کرده است که صدای زندانیان سیاسی را در سراسر دنیا منعکس کند. در این کارزار ما از مردم خواسته ایم که صدای یک زندانی سیاسی باشند. در طول ۳۲ سال اخیر هزاران نفر زندانی، شکنجه و یا مفقود شده اند. بسیاری از آنها اعدام شده اند و عملاً رژیم صدایشان را خاموش کرد. در حال حاضر هزاران زندانی سیاسی در زندانهای شهرهای مختلف در ایران هستند. اسامی تعدادی از این زندانیان را میدانیم و مرتباً در رسانه ها میبینیم اما از تعداد بسیار زیادی بی خبر هستیم و هیچکس نه اسامیشان را دارد و نه میداند در چه وضعیتی بسر میبرند. تعدادی از زندانیان از هر طریق ممکن و از هر روزنه ای سعی دارند وضعیت داخل زندان را منعکس کنند و صدای خود را به گوش دنیا برسانند. کسی مثل بهروز جاوید تهرانی، دانشجوی مبارزی که ۱۲ سال

در زندان و تحت شدیدترین فشارها بوده است. او بارها به سازمان ملل نامه نوشته است و تلاش کرده تا صدای خود و همبندیهایش را به دنیا برساند. کارزار من صدای او هستم میخواهد این صدا را هزار برابر قویتر کند و پیام بهروز و بهروزها را به گوش دنیا برساند. از طرفی خانواده های زندانیان سیاسی با مصاحبه با رسانه های عمومی صدای زندانیان را در سطح وسیعی به گوش مردم رسانده اند. اما این خانواده ها به شدت تحت فشار هستند. رژیم مرتباً تهدیدشان میکند که حق ندارند اخبار را منعکس کنند و با رسانه ها صحبت کنند، حق ندارند تجمع کنند. آنها را تهدید به دستگیری میکند. اگر میخواهیم این خانواده ها را حمایت کنیم قدم اول اینست که صدای این خانواده ها باشیم و پیام و صحبتشان از طریق من و شما که

قلبمان برای آزادی میتید منعکس شود. کارزار "من صدای او هستم" تلاش دارد که این صداها را به هم پیوند دهد و هر چه رساتر صدای این خانواده ها را به گوش دنیا برساند. این کارزار حتی میتواند از زندانیان سیاسی کنونی هم فراتر برود. کارزار "من صدای او هستم" میتواند صدای کسانی باشد که در طول ۳۲ سال اخیر دستگیر شده و سپس آزاد شده اند اما به دلیل شکنجه و فشار روحی روانی که در زندان به آنها وارد شده است، حتی بعد از آزادیشان در مورد شکنجه هایشان صحبت نکرده اند و عملاً خاموش مانده اند. این کارزار میتواند صدای کسانی نیز باشد که اعدام شدند و هرگز کسی داستان اینکه چه بر سرشان آوردند را نشنیدند. ما باید صدای همه اینها باشیم. کارت پستالهایی برای کارزار من صدای او هستم تهیه شده است که در دسترس مردم در کشورهای مختلف قرار داده شده است. از مردم خواسته ایم که اسم یک زندانی سیاسی را در پشت کارت پستال نوشته، آنها را امضا کرده و به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بفرستند. همچنین در این کارزار ما وضعیت تعدادی از زندانیان سیاسی را به صورت سمبلیک به فارسی و انگلیسی در سطح دنیا مطرح کرده ایم که در منعکس کردن وضعیت زندانیان و جلب حمایت بسیار موثر بوده است. این کارزار هنوز ادامه دارد و من همینجا از همه کسانی که مدافع آزادی زندانیان سیاسی هستند میخواهم که به کارزار "من صدای او هستم" پیوندند.

بهروز مهرآبادی: بعنوان یک زندانی سیاسی سابق چه احساسی داری و این احساس و تجربیات ناگواری که از زندانهای جمهوری اسلامی داشته ای چه تاثیری در فعالیت های فعلی تو دارد؟

شیوا محبوبی: مانند بسیاری دیگر در ایران، من نیز به عنوان کسی که در سن بسیار پایینی در ایران شاهد جنایتهای جمهوری اسلامی بوده ام و طبعاً به عنوان یک زندانی سیاسی سابق که شکنجه های روحی و جسمی رژیم را تجربه کرده و بهترین دوستانم توسط رژیم اعدام شده اند همیشه خشم عمیقی علیه رژیم در وجود شعله ور بوده و هست. هر زمان که در رابطه با آزادی زندانیان سیاسی و شکنجه هایی که در زندان است در جاهای مختلف

بودجه ۹۰، اختلافات حکومت

محمد شکوهی



بالاخره بعد از ماهها کشمکش و دعوای دولت، مجلس و باندهای حکومتی، هفته گذشته مجلس بودجه سال ۱۳۹۰ رژیم را تصویب کرد. روز سه شنبه هفته ای که گذشت شورای نگهبان و طبعا خامنه ای هم این بودجه که رقم کل آن بالغ بر ۵۰۸ هزار میلیارد تومان است، را تأیید کردند. در جریان بحث و بررسی بودجه در مجلس دعوای حکومتی هم بالا گرفت. هنوز دعوای باندهای حکومت بر سر برکناری مصلحی و برگرداندن او توسط خامنه ای، پایان نگرفته که این بار بر سر بودجه، یعنی در واقع بر سر سهم سهم خواهی از آن، بر علیه هم افشاکری کرده و حتی یکدیگر را تهدید نمودند که خون به پا خواهند کرد. دعوای تا آنجا بالا گرفت که خامنه ای شخصا دخالت کرد و از مجلس خواست که در این "شرایط حساس" فتنه اختلافات را پائین بکشند، باید بودجه تصویب بشود. رویارویی مجلس و احمدی نژاد در واقع محور اصلی اختلافات است که در جریان مباحث بودجه در مجلس هم خود را نشان داد. و بالاخره دار و دسته های مجلس نشین راضی شده. بودجه را تصویب و در اختیار دولت احمدی نژاد قرار دادند.

در دولت و مجلس فقط کلیاتی را ردیف کرده و اعلام کرده اند که جزئیات و موضوع بودجه بندی کلی کشور در دست کمیسیونهای مربوطه در حال تهیه می باشد. اما تا آنجایی که به همین کلیات اعلام شده بر می گردد، می توان دریافت که محور اصلی و جهت گیری این بودجه هم نظیر بودجه سالهای قبل، "حفظ نظام" است. در واقع حکومت کاری به غیر از سرازیر کردن بودجه به جیب دست اندرکاران نظام و هزینه کردن برای حفظ خود، امری دیگر ندارد. هر سال برای مدتی در مورد نحوه تقسیم به جان هم می افتند، سهمیه هایشان را می گیرند و دوباره برمی گردند سر کار اصلی شان، یعنی سرکوب و اعدام و جنایت!

یک نگاه کوتاه به اعلام بودجه و ردیف های اعلام شده نشان می دهد که نزدیک به یک سوم بودجه سال ۹۰ به

تقویت ارگانهای سرکوب، ازسیج و سپاه گرفته تا باندهای رنگارنگ وابسته به حکومت اختصاص داده شده است. در جریان بررسی بودجه در مجلس، سپاه پاسداران و بسیج اعلام کردند که افزایش بالای ۲۰ درصدی تقاضا کرده اند. علاوه بر این، ردیف "مصارف ویژه و اضطراری" را در بودجه گنجانده تا نیروهای سرکوب سهم بیشتری داشته باشند. در کنار سهمیه امنیت مبلغ ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بودجه شرکت های دولتی اعلام شده است. این مبلغ را عمدتاً شرکت های وابسته به کنسرن های بزرگ رژیم در بخش اقتصادی که بیش از ۷۵ درصد شان در دست سپاه و بسیج است در اختیار خواهند داشت.

در بودجه مصوب مجلس عبارت "بودجه عمومی" گنجانده شده و رقم ۱۷۶ هزار و ۹۹۳ میلیارد تومان به آن اختصاص داده شده است! ظاهراً این بخش بودجه جهت مصارف عمومی دولت از جمله حقوق کارمندان می باشد و قرار است کمیسیونهای ویژه موارد و موضوعات بودجه بندی در عرصه های عمومی را تهیه و به اجرا بگذارند. برخی مقامات رژیم اعتراف کرده اند که بررسی روند رشد بودجه عمومی دولت که به نوعی بازتاب سهم دولت در اقتصاد کشور است نشان می دهد که طی سال های ۸۰ تا ۹۰ این بودجه ۱۰ برابر شده است. رشد ۳۹ درصدی در حجم بودجه عمومی دولت از سال ۸۳ به بعد بی سابقه بوده است! دولت نفت را در بودجه ۸۰ دلار حساب کرده که در حال حاضر بالاتر از این است. از این طریق دولت دست روی درآمدهای فروش نفت گذاشته و به بهانه تامین منابع مالی بودجه این پول ها را بالا می کشد. در کنار آن سهمیه شرکت های دولتی را در نظر بگیرد تا روشن شود که این پول های افسانه ای چگونه و کجاها هزینه می شود. اساساً طرح بودجه دولت و رژیم سهمیه بندی پول و منابع مالی در میان باندهای شریک در دولت در کنار نیروهای امنیتی و دم و دستگاه سرکوب می باشد. هنوز بودجه

تصویب نشده بود که جعفری فرمانده سپاه اعلام کرد که امسال ما و شرکت های وابسته به سپاه و بویژه قرارگاه خاتم قراردادهایی کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان را در دست نمی گیریم. طرف حساب این قراردادها دولت و ارگانهای دولتی می باشند. که به محض دریافت بودجه وارد زد و بند با کنسرن وابسته به سپاه شده و می خرند و می فروشند و غارت می کنند. در این میان کارمجلس و بخش دولت توزیع منابع مالی پول های کلان بین دار و دسته های قدرتمند مافیای اقتصادی و مالی است که یک سرش در دولت و بانک مرکزی و کنسرن های مالی بزرگ، و سر دیگرش مستقیماً به خامنه ای و سپاه و ارگانهای سرکوبگر رژیم وصل است. ایجاد اشتغال، افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری و درمانی، تامین اجتماعی آموزش و پرورش، تامین منابع مالی یارانه های نقدی جزو ردیف هایی هستند که در بودجه عمومی دولت" جا داده شده اند

و قرار است در این مورد و بویژه در باره نحوه و اولویتهای این عرصه باندهای دولتی "سرفرصت" تصمیم بگیرند. در ادامه زد و بندهای بودجه ای دولت، قرار است که از محل بودجه بدهی های کلان دولت به بانکها و از جمله بانک مرکزی پرداخت بشود، تا در اقدام بعدی این بانکها و بانک مرکزی اعتبارات و منابع مالی دولت را تامین نمایند. این یعنی بده و بستان! از افزایش دستمزدهای کارگران حتی در بخش های اقتصاد دولتی که ظاهراً باید در بودجه بندی ردیف شده باشد، خبری نیست. از دستمزدهای کارگر می زنند، ماهها حقوق کارگر را نمی پردازند، در عوض بی شرمانه و علناً بر سر تقسیم پول های افسانه ای بین باندهای شریک در قدرت به سر و کله همدیگر می زنند. بحث بودجه بحث سر و سامان دادن به بخور و بجایها، دزدی های علنی، پولشویی، و غارت و چپاول می باشد. هدف اصلی این بودجه "حفظ نظام"، گسترش سرکوب و میلیتاریزه کردن جامعه و سرکوب اعتراضات و مبارزات کارگران و مردم می باشد. بودجه حکومت اسلامی در واقع طرح سرکوب و میلیتاریزه کردن جامعه از طریق گسترش نیروهای سرکوب و باز گذاشتن دست مافیای اقتصادی است. *

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, WA 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

صدای زندانیان سیاسی باشیم ... از صفحه ۷

سخنرانی کرده و حضور دارم احساس میکنم که صدای هزاران زندانی را که در زیر شکنجه و فشار هستند و همچنین صدای دوستان خودم را که در زندان بودند و اعدام شدند، منعکس میکنم و به همین دلیل همیشه سعی کرده ام که با تمام وجود و هر چه رساتر این صداها را به گوش همه برسانم. در عین حال من فکر میکنم رساندن صدای این عزیزان به جهانیان وظیفه هر انسانی است که قلبش برای آزادی و رهایی می تپد. بهروز مهرآبادی: از شرکت در این مصاحبه ممنونم و برای شما و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آرزوی موفقیت دارم. *

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

اساس سوسیالیسم انسان است!

اعتراضات دانشجویی و فراخوان

روز ۲۵ اردیبهشت

متن گفتگوی تلویزیونی کانال جدید با کیان آذر

دبیر سازمان جوانان کمونیست



شهرلا دانشفر: کیان آذر در این مدت شاهد موارد متعددی از اعتراضات دانشجویی بوده ایم و الان گفتن بر سر اعتراض و اعتصاب سراسری در روز ۲۵ اردیبهشت است که دانشجویان فراخوان به این تجمعات را داده اند. در این مورد ابتدا میخواستیم آخرین خبرها را از شما بپرسیم.

کیان آذر: من در ابتدا بصورت مختصر به اعتراضات دانشجویی میپردازم. از سه هفته پیش شاهد اوج گرفتن و کلید خوردن اعتراضات دانشجویی در سال ۹۰ بودیم. که سه هفته پیش در دانشگاه تهران و بعد در دانشگاه پلی تکنیک و در ادامه شاهد اعتراضات در دانشگاه سوره بوده ایم. اعتراض دانشجویان در هر سه موردی که گفتم علیه فضای سرکوبی که جمهوری اسلامی مدام سعی میکند در دانشگاه ها بوجود بیاورد و این فضای سرکوب و خفقان را در دانشگاه ها حفظ کند، میباشد. علاوه بر این علیه فضای ارباب، بگپر و بسند، احضار کردن دانشجویان و فعالین دانشجویی به کمیته های انضباطی و دادگاه ها علیه زندانی کردن آنها و همچنین ایجاد فضای جاسوسی در دانشگاه و خوابگاه ها و علیه تفکیک و جدا سازی جنسیتی است. مجموعه این مسائل بمره اوضاع سیاسی ایران که ملتهب است و ما در چند ماه گذشته مشخصا شاهد اعتراض و تلاش مردم ایران مبارزه دانشجویان و

جوانان بوده ایم که تلاش کرده اند و از هر فرصت و امکانی استفاده کرده اند. که وضعیت موجود را تغییر دهند. همه این شرایط باعث بوجود آمدن مدام اعتراضات بوده است. و بعد از اعتراضات در دانشگاه هایی که نام بردم فعالین دانشجویی به این نتیجه رسیدند که برای مقابله با این شرایط و بدست آوردن نتیجه مطلوب از مبارزاتی که صورت میگیرد باید دست به اعتراضی وسیعتر و گسترده تر زد و در روزهایی مشخص اعتراضاتی سراسری و هماهنگ، صورت بگیرد. روز ۲۵ اردیبهشت بهمین دلیل انتخاب شده است و این فراخوان از دانشگاه تهران و دانشگاه پلی تکنیک شروع شد و دانشگاه های دیگر- ۴۱ دانشگاه- به این فراخوان پیوسته اند.

شهرلا دانشفر: دانشگاه سنگر آزادی ویرابریست. دور جدید اعتراضات شروع شده، شما بعنوان دبیر سازمان جوانان کمونیست در رابطه با این دوره جدید فراخوانتان چیست؟ چه خواسته ها و مطالبات فوری را مورد تاکید قرار میدید؟

کیان آذر: جمهوری اسلامی سعی میکند روی فعالین دانشجویی، روی کسانی که نقش تعیین کننده ای دارند و میتوانند سازمان دهند، میتوانند اعتراضات را پیش ببرند و تجمعات اعتراضی را سازمان دهند، فشار بگذارند و با فشار گذاشتن روی این افراد، بنوعی آنها را از کار بیندازد و از

طرف دیگر با ایجاد فضای ارباب در بین بدنه دانشجویی، دانشجویان را وادار به عقب نشینی کند. با صرف هزینه های زیاد با پیشبرد این روشها سعی میکند که دانشجویان را کنترل کند و دانشگاه را بنوعی مهار و سرکوب کند. اما برخلاف تلاشهای مذبحانه جمهوری اسلامی ما همیشه شاهد تداوم مبارزات دانشجویان و جلو آمدن فعالین جدید هستیم، با وجود اینکه عده زیادی از فعالین در زندانها هستند و یا بخاطر احکام سنگین در حال حاضر درگیر مبارزات نیستند اما دانشجویان جدیدی در حال تبدیل شدن به چهره هایی در اعتراضات دانشجویی هستند. فعالین جدیدی پا به عرصه مبارزه میگذارند و اعتراضات را سازمان میدهند. اما نکته اینجاست ما برای مقابله با جمهوری اسلامی و پیشبرد پرقدرت تر اعتراضات احتیاج به تشکل داریم. احتیاج به یک تشکل سراسری داریم. تشکلی که رابطه تنگاتنگی با بدنه دانشجویی داشته باشد و همه سوخت و ساز آنرا خود بدنه دانشجویان تامین کنند. این تشکل سراسری در بین دانشجویان فعالیت کند و عضو گیری کند و وقتی پای اعتراضت بمیان می آید با فراخوان این تشکل، حداقل ۲۰ دانشگاه دست به اعتراض بزنند. من فکر میکنم چنین تشکل دانشجویی میتواند انسجامی به دانشجویان و اعتراضات آنها بدهد. این اقدام عاجل و مهمی ست که باید دانشجویان پیشرو و فعالین دانشجویی آنرا هرچه سریعتر ایجاد کنند. این تشکل را میشود حول خواسته ها و مطالبات مشخصی که مطالبات دانشجویان و کل جامعه را

دربرمیگیرد، بوجود آورد. که یکسری از این خواسته ها مربوط هست به مسائل رفاهی که برای نمونه زندگی دانشجویان در خوابگاه ها را دربر میگیرد و بخشی دیگر از این مطالبات مربوط است به شرایط تحصیلی آنها که شبانه روز دانشجویان را دربرمیگیرد و بخش دیگر مربوط است به مطالباتی در عرصه های سیاسی، اجتماعی که شامل فعالیتهایی هست که دانشجویان انجام میدهند و مطالبات بصورت مشخص را میتوان در چند بند ذکر کرد که من به آنها اشاره میکنم:

- ۱- آزادی بی قید و شرط بیان و فعالیت فردی و جمعی آزادانه دانشجویان
 - ۲- برابری زن و مرد در همه عرصه ها و لغو تبعیض جنسی
 - ۳- جدایی دین از حکومت، از دستگاه قضایی و از آموزش و پرورش، چون همیشه دانشگاه محل تحصیل علم است ولی جمهوری اسلامی میخواهد دانشگاه ها را تبدیل به مسجد و قبرستان کند که مدام با اعتراض دانشجویان مواجه شده و دانشجویان همیشه گفته اند که این مسئله را نمیپذیرند.
 - ۴- لغو تفکیک و جداسازی های جنسیتی
 - ۵- آزادی همه زندانیان سیاسی و دانشجویان زندانی
 - ۶- برخورداری از شرایط و استانداردهای بالای رفاهی و تحصیلی
- مجموعه ای از این مطالبات میتواند پلاتنفرم تشکل سراسری دانشجویان ایران باشد و حول این خواسته ها دانشجویان میتوانند متشکل شوند و این تشکل را بنا

کنند. در این مسئله نقش دانشجویان پیشرو، فعالین و سازمان دهندگان بسیار پر اهمیت است که پا جلو گذارند و اقدام به راه اندازی این تشکل کنند و بدنه دانشجویی را به پشتیبانی و دخالتگری برای ایجاد چنین تشکلی قانع کنند. در رابطه با ساختار چنین تشکلی در پله های بعدی میتوان بحث و گفتگو کرد اما دانشجویان باید با این اعتماد به نفس و چنین چشم اندازی بسراغ این مسئله بروند و این تشکل ضرورتی ست برای دانشجویان. حتی این انسجام برای پیگیری وضعیت دانشجویان زندانی بسیار حائز اهمیت است.

در انتها باید در رابطه با روز ۲۵ اردیبهشت اعلام کنم که این روز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و همه دانشجویان باید خود را برای حضور در این اعتراضات آماده کنند و بهر شیوه ای که برایشان امکان پذیر است اطلاع رسانی کنند. از همه جوانان و مردم میخواهم که در اطلاع رسانی برای این روز دست بکار شوند و در محل تحصیل، در محلات و حتی سرکار این اطلاع رسانی را انجام دهند. از بخشهای مختلف مردم میخواهم که در روز ۲۵ اردیبهشت با تجمع اطراف دانشگاه ها به حمایت دانشجویان بروند. در ضمن میتوانند برای ارتباط با من و سازمان جوانان با شماره تلفن 0046739248527 و یا ایمیل kian.azar@gmail.com استفاده کنند که بتوانیم هماهنگی و سازماندهی بیشتری داشته باشیم برای اعتراضات جاری.

شهرلا دانشفر: با شکر از شما کیان آذر که در برنامه شرکت کردید. *



سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. زنده باد اول مه که روز جهانی کارگر کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۸ مه ۲۰۱۱

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهرلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968
bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

بهرام سروش

خانواده های دستگیر شدگان اول مه سندج به تعیین وثیقه برای عزیزانشان اعتراض کردند

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند

به خانواده های آنان است. جرم دستگیر شدگان اول مه تلاش برای برپایی مراسم روز جهانی کارگر و مبارزه برای یک زندگی انسانی است. در جمهوری اسلامی کارگران و انسانهای شریفی که برای حقوق پایه ای خود مبارزه میکنند، دستگیر و زندانی میشوند و دزدان و جنایان اسلامی آزادانه دزدی و جنایت میکنند.

متحدانه در کنار خانواده های کارگران بازداشتی اول مه بایستیم، به تعیین وثیقه در قبال آزادی این کارگران اعتراض کنیم و خواهان آزادی فوری آنان از زندان شویم. مردم شهر سندج در همراهی و تقویت اعتراض خانواده

شعبه مذکور مراجعه کردند و در آنجا به آنها اعلام شد که در قبال آزادی غالب حسینی، وفا قادری و خالد حسینی مبلغ پنجاه میلیون و برای یدانله قطبی مبلغ سی میلیون تومان وثیقه تعیین شده است. خانواده های کارگران بازداشتی اعلام کردند که توان تامین این وثیقه ها را ندارند و در صورت عدم آزادی بی قید و شرط آنان از زندان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

تعیین وثیقه برای دستگیر شدگان اول مه به معنی مجرم شمردن و بازنگهداشتن پرونده قضایی آنان، تداوم فشار به کارگران و فشار مالی سنگین

ساعت ده صبح روز ۱۸ اردیبهشت خانواده های کارگران دستگیر شده اول مه به همراه تعداد دیگری از خانواده های کارگری بنا بر قرار قبلی در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات جمهوری اسلامی در سندج تجمع کردند و به ادامه بازداشت وفا قادری، خالد حسینی، یدانله قطبی و غالب حسینی اعتراض کردند.

بدنبال این تجمع مامورین ستاد خبری رژیم در میان تجمع کنندگان اعلام کردند که برای پیگیری وضعیت کارگران بازداشتی باید به شعبه چهار بازپرسی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مراجعه کنند. خانواده ها به

۲۵ اردیبهشت روز اعتراض و اعتصاب سراسری در دانشگاهها



میشود و راه خروجی برای حل بحران عمیق خود ندارد، اعتراض و اعتصاب سراسری و متحد را تنها راه نجات از شرایط نکبت بار کنونی می دانند و کارگران و معلمان و پرستاران و همه مردم آزادیخواه را به پیوستن به این حرکت اعتراضی فرا خوانده اند.

سازمان جوانان کمونیست ضمن حمایت قاطع از حرکت سراسری دانشجویان در روز ۲۵ اردیبهشت، دانشجویان و استادان دانشگاه هائی که تاکنون به این حرکت نپیوسته اند را فرامیخواند با تمام قوا به این حرکت پیوندند و اعتصاب و اعتراض سراسری و یکپارچه ای را در کلیه دانشگاههای کشور سازمان دهند. سازمان جوانان کلیه جوانان و مردم آزادیخواه را به حمایت از این حرکت دانشجویان فرامیخواند. باید با تمام قوا بپاخواست و پرچم سرنگونی حکومت جهل و جنایت اسلامی را برافراشته تر ساخت.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
سازمان جوانان کمونیست
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۰ مه ۲۰۱۱

جداسازی جنسیتی، اعتراض به دستگیری دانشجویان و همکلاسی هایشان علیه فقر و فلاکتی که جامعه را فرا گرفته، با صدور بیانیه هائی روز ۲۵ اردیبهشت را روز اعتراض و اعتصاب سراسری اعلام کرده اند و از همه مردم خواسته اند تا به این اعتصاب سراسری پیوندند در حمایت از این حرکت بزرگ اعتراضی و اعتصاب سراسری ما هم در شهر فرانکفورت روز شنبه ۱۴ مه از ساعت ۱۲ در مرکز شهر خواهد بود. Hauptwache

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران. فرانکفورت همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی
Kontakt: 015774650186

دانشجویان دانشگاه های امیرکبیر، تهران، همدان، قزوین و آزاد مشهد و سمنان و تربیت معلم کرج و قزوین دانشجویان بیست دانشگاه دیگر تاکنون برای روز ۲۵ اردیبهشت فراخوان به اعتصاب و اعتراض سراسری داده اند. دانشجویان در بیانیه های خود به فضای سرکوب و خفقان، به حضور نیروهای سرکوب و اوباش و اراذل اسلامی در دانشگاه ها، به حضور کمیته های انضباطی و حراست و بسیج دانشجویی، به جداسازی جنسیتی و تحقیر هرروزه دانشجویان و همچنین به فقر و فلاکتی که حکومت به مردم تحمیل کرده است اعتراض دارند و خواهان رفع مشکلات رفاهی و آموزشی خود میباشند.

دانشجویان همانطور که در بیانیه های خود اشاره کرده اند نه مشروعیستی برای نظام اسلامی قائلند و نه به اصلاح سیستم آموزشی در این نظام باور دارند. دانشجویان در بیانیه های خود جمهوری اسلامی را مسئول همه مشقات و فقر و فلاکت و مصیبت های جامعه می دانند و در شرایطی که حکومت هرروز بحرانی تر و شکننده تر گوتنبرگ برگزار می شود که از همه شما جوانان، دانشجویان و مردم آزاده دعوت می کنیم به ما پیوندید تا صدای اعتراض دانشجویان در ایران باشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران-
گوتنبرگ سوئد- ۱۱ مه ۲۰۱۱
زمان ۱۵ می ۲۰۱۱،
مکان برونر پارکن
تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر:
۰۷۳۶۴۸۵۱۱۷ نوید مینائی

فرانکفورت : آلمان
درآستانه سالگرد اعتراضات میلیونی مردم ایران در سال ۱۳۸۸ دانشجویان بیشتر از ۳۵ دانشگاه در ایران فراخوان اعتراضی و اعتصاب سراسری خود را علیه حضورنیروهای امنیتی و شبه نظامی در دانشگاهها، علیه



آنان چکار خواهند کرد؟ فرزندان شما رهروان فرزاد تک تک در قلب من هستید.

آنها از جنازه او هم می ترسند. می دانند اگر محل دفن او را اعلام کنند مرکز و میعادگاه جوانان و انسانهای می شود که مثل او فکر میکنند. در پایان من از همه آزادیخواهان بخصوص فرهنگیان میخوامم که روز اعدام فرزند کمانگر را روز معلم اعلام کنند. اینجا یک بار دیگر می خواهم به همه آنهایی که به جرم افکار و عقایدشان در زندان هستند درود بفرستم و به همه خانواده های این عزیزان احساس همدردی می کنم. روی همه شماها را از دور و نزدیک میبوسم.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

این پیام امروز ۱۹ اردیبهشت (۹ مه ۲۰۱۱) در مراسم بزرگداشت فرزند در شهر فرانکفورت آلمان توسط محمد امین کمانگر قرائت شد.

پیام مادر فرزند کمانگر: فرزند همیشه زنده خواهد بود زیرا افکار انسانی زنده است

در سالروز فرزند میلیونها فرزند کمانگر جمع می شوند تا به فقر و نا برابری اعتراض کنند و از انسان و حرمت انسانی دفاع نمایند. میلیونها انسان این روز را گرامی میدارند. همه این انسانها برادران، خوهران و فرزندان من هستند. من دست تک تک این عزیزان را در هر جای جهان که هستند بگرمی می فشارم و رویشان را میبوسم.

فرزند معلمی بود که چهارده سال از عمرش را در راه پرورش بچه هایی صرف کرد تا در آینده هر کدام از آنها معلمی شوند و به مردم و به مملکت خدمت کنند. من بارها و بارها اینرا گفته ام که فرزند راهی را انتخاب کرد که به آن عشق می ورزید و بدان عقیده داشت. با شهامت از عقیده و مراسم که راه رهایی مردم علیه فقر و فلاکت را در آن میدید دفاع میکرد و با افتخار جانش را در این راه فدا کرد. من به او و به این راهی که او در پیش گرفت افتخار میکنم.

او در میان مردمی پرورش یافت که حاکمان نه تنها می خواهند که این مردم نفس نکشند بلکه از آب و خاکش هم تنفر دارند. چون در این منطقه صدیق کمانگر سر بر آورد و فرزند راه او را ادامه داد. اکنون صدیق

فرزند راه او را ادامه داد. اکنون صدیق

فراخوان به تظاهرات در حمایت از اعتصاب سراسری دانشجویان در ایران، فرانکفورت آلمان، لندن انگلیس، گوتنبرگ سوئد

میشود. از تمامی آزادیخواهان و بویژه دانشجویان مقیم انگلستان دعوت می کنیم که همصدا با ما و در پشتیبانی از دانشجویان در ایران در این آکسیون شرکت نمایند. ایران سولیداریتی- انگلیس
زمان شنبه ۱۴ ماه مه ساعت ۲ تا ۴ میدان ترافالگار

گوتنبرگ: سوئد
تظاهرات در حمایت از اعتصاب سراسری دانشجویان در ایران ۱۵ مه در آستانه سالگرد اعتراضات میلیونی مردم ایران در سال ۱۳۸۸ دانشجویان بیشتر از ۳۵ دانشگاه در ایران فراخوان اعتراض و اعتصاب سراسری داده اند. دانشجویان به فضای سرکوب و اختناق موجود در دانشگاه ها، حضور نیروهای امنیتی و شبه نظامی در دانشگاه ها، جداسازی جنسیتی و دستگیری همکلاسی هایشان و به فقر و فلاکتی که حکومت باعث آن

به همین مناسبت و در حمایت از حرکت سراسری دانشجویان در ایران در روز ۲۵ اردیبهشت، ۱۵ می ۲۰۱۱ آکسیونی در مرکز شهر

لندن:
آکسیون در حمایت از دانشجویان در ایران، شنبه ۱۴ ماه مه ساعت ۲ تا ۴ میدان ترافالگار
با نزدیک شدن به سالگرد تظاهراتهای میلیونی مردم ایران در اعتراض به ۳۲ سال فقر و بلبختی و سلب تمامی آزادی و شادی از مردم، دانشجویان دهها دانشگاه روز ۲۵ اردیبهشت را روز اعتراض و اعتصاب عمومی اعلام کرده اند.

دانشجویان خواهان آزادی دانشجویان و کل زندانیان سیاسی، محو تبعیض جنسیتی و لغو جداسازی جنسیتی، آزادی بیان و اعتراض و تجمع، پایان دادن به سرکوب و برچیدن بساط اوباش سرکوب حکومت در دانشگاهها هستند. دانشجویان در اطلاعیه هایشان از مردم خواسته اند که به آنها پیوندند. در حمایت از دانشجویان آکسیونی در لندن برگزار

کارگران مجتمع فولاد بندرعباس و نساجی قائم شهر دست به اعتصاب زدند

اعتصاب کارگران پروژه مجتمع فولاد کاوه در بندرعباس

طبق گزارش یاشار آذر خبرنگار کانال جدید، روز ۱۹ اردیبهشت جمعی از کارگران شرکت ملی ساختمان، پیمانکار پروژه مجتمع فولاد کاوه بندرعباس، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب پس از چند ساعت با قول مسئولین به رسیدگی به خواست کارگران پایان یافت.

اعتصاب کارگران در اعتراض به تقلب و اجحاف مدیریت کارخانه درمورد ساعات کار کارگران صورت گرفت. کارگران میگویند موقع استراحت

ظهر به جای یک ساعت، دو ساعت از ساعت کاری آنها کسر میشود و بعد از ساعت ۵ بعدازظهر اضافه کاری به آنها تعلق نمی گیرد در حالی که کارگران برخی روزها ظهر بدون تعطیل زمان استراحت و تا ساعت ۷ بعدازظهر مشغول به کار هستند و عملاً دو ساعت ظهرها و دو ساعت عصرها یعنی جمعا چهارساعت در روز مورد اجحاف آشکار قرار میگیرند. این اعتصاب تا ساعت ۲ بعدازظهر به طول انجامید که با حضور مسئولین و وعده رسیدگی به خواست کارگران پایان یافت. در طول ساعات اعتصاب، بطور

غیر مستقیم کارگران اعتصابی را تهدید به اخراج کردند اما با اعتراض کارگران تهدیدها متوقف شد. در ادامه این حرکت روز بعد بیستم اردیبهشت جمعی از افراد گروه آرماتوربندی و رانندگان پایه یک و جرقیل این پروژه نیز دست به اعتصاب زدند که کارگاه کاملاً تعطیل شد. این بخش از کارگران نیز اعتراضشان این بود که از اسفند ماه سال ۸۹ هیچ مبلغی به پرسنل پرداخت نشده است. اعتصاب با حضور مدیریت پروژه و وعده به پرداخت حقوق کارگران تا اتمام ماه جاری پایان یافت.

کارگران نساجی قائم شهر

طبق گزارش دیگری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز ۱۸ اردیبهشت ۲۰۰ کارگر نساجی شماره دو و سه قائم شهر در مسیر کارخانه تا میدان اصلی شهر و از آنجا تا دفتر اکبری نماینده مجلس اسلامی در قائم شهر راهپیمائی کردند و خواهان پرداخت فوری ۱۰ ماه دستمزد معوقه خود شدند. گفته میشود که دولت مبلغ ۲۲ میلیارد تومان در اختیار مدیران این شرکت گذاشته که ۴ میلیارد آن بابت راه اندازی کارخانه بوده است اما نه کارخانه راه افتاده و نه حقوق کارگران پرداخت شده است. حزب کمونیست کارگری از کلیه

کارگران پروژه مجتمع فولاد کاوه بندرعباس و کارگران نساجی قائم شهر، خانواده های آنان و کارگران سایر مراکز کارگری و همینطور کارگران اخراجی میخواهد که متحد و یکپارچه برای احقاق حقوق خود دست به اقدامات گسترده بزنند. کارگران قائم شهر و بندرعباس میتوانند کل مردم شهر از خانواده های خود تا کارگران اخراجی و کارگران مراکز مختلف را خبر کنند و دست به تجمع و راهپیمائی گسترده در شهر بزنند و خواست های بحق خود را به کارفرماها و دولت تحمیل کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۲ مه ۲۰۱۱

اعتراضات کارگری در شیراز، سنج و قزوین

شیراز: تجمع بیش از ۵۰ نفر از کارگران مجتمع گوشت فارس در مقابل استانداری فارس

بنابه خبر منتشر شده، از ساعت ۱۰ صبح روز ۲۰ اردیبهشت، بیش از ۵۰ تن از کارگران مجتمع گوشت فارس در مقابل استانداری فارس تجمع کرده و سپس داخل استانداری شدند. این کارگران که بیش از ۱۸ ماه است کار خود را از دست داده اند

و علیرغم اینکه دارای شرایط بازنشستگی هستند بازنشسته نشده اند. کارگران به ۱۸ ماه سردوانده شدن اعتراض کرده و به معاون استاندار التیماتوم داده اند که اگر جواب واقعی و مطلوب به کارگران ندهد کلیه ۱۰۸ نفر کارگر مجتمع گوشت با اعضای خانواده های خود به تهران برای ادامه اعتراض خواهند رفت.

سنندج: اعتصاب کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج پارسیان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اعلام کرده است که روز ۱۹ اردیبهشت، کارگران شرکت پارسیان که در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج مشغول به کار هستند، در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه از طرف مپنا (کارفرمای نیروگاه) در مقابل دفتر

تجمع کرده و دست به اعتصاب زدند. قزوین: تجمع کارگران نساجی پوشینه بافت قزوین در مقابل کارخانه و اداره صنایع

روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت از ساعت ۹ صبح حدود ۶۰ نفر از کارگران نساجی پوشینه بافت قزوین در مقابل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زده و بعد از یک و نیم ساعت به مقابل اداره صنایع قزوین رفته و در آن محل به تجمع و اعتراض خود ادامه دادند. بنا به

اخبار منتشره در اینمورد کارگران به عدم دریافت حقوقهای معوقه ۱۳ ماه گذشته و همچنین به اعلام حکم انحلال شرکت و علاوه بر اینها به سردواندن کارگران توسط مقامات و سیستم های ذریبط اعتراض دارند. تجمع این کارگران تا ساعت ۱۲ و نیم ظهر ادامه داشت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۰ مه ۲۰۱۱

اعتراض کارگران اخراجی گل گهر و نساجی کاشان

سیرجان: اعتراض کارگران اخراجی گل گهر

بنا به اخبار منتشره، جمعی از کارگران کارخانه کندله سازی و هماتیت مجتمع سنگ آهن گل گهر سیرجان از روز یکشنبه تا روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت در اعتراض به آنچه که اخراجی بی دلیل می خواندند، مقابل درب کارخانه تجمع کردند. کارگران این اعتراض را روز سه شنبه به همراه

خانواده هایشان با حضور در مجتمع گل گهر ادام دادند که شب را نیز در همانجا بسر بردند. در ادامه این اعتراض روز چهارشنبه برخی از کارکنان اداری ساختمان ۴۵ گل گهر نیز در حمایت از کارگران اخراجی به آنها پیوستند. کارگران گفته اند ۹۰ نفر از کارکنان قدیمی گل گهر را بعد از گرفتن آزمون و به بهانه نداشتن شرایط سنی اخراج کرده اند.

کاشان: تجمع مجدد کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی روبروی فرمانداری

طبق خبری که ایلنا منتشر کرده است، کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی و نساجی کاشان صبح روز ۲۱ اردیبهشت در اعتراض به عدم دریافت ۳۲ ماه حقوق معوقه و مشکل بازنشستگی روبروی فرمانداری ویژه کاشان تجمع کردند. این کارگران در این تجمع اعتراض آمیز نسبت به عدم پرداخت حقوق هفتگی خود که

کارفرمای این شرکت تعهد کرده بود هفته ای ۴۰ هزار تومان، که یک ششم حقوق ماهیانه آنها می باشد پرداخت کند، اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به این مسئله شدند. در این تجمع کارگران خیابان اصلی روبروی فرمانداری ویژه را مسدود کرده بودند و بر روی پلاکاردی نوشته بودند: "۳۲ ماه حقوق معوقه چه کسی پاسخگوست".

حزب کمونیست کارگری از کلیه کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان و گل گهر سیرجان، خانواده های آنان و

کارگران سایر مراکز کارگری میخواهد که متحدانه برای احقاق حقوق خود دست به اعتراض بزنند. کارگران میتوانند کل مردم شهرهای مزبور و کارگران مراکز مختلف را مطلع کنند و دست به تجمع و راهپیمائی گسترده تر در سطح شهر بزنند و خواست های بحق خود را به کارفرماها و دولت تحمیل کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۲ مه ۲۰۱۱

نگرانی از وضعیت جسمی رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد در زندان

سندیکای کارگران شرکت واحد طی اطلاعیه ای نسبت به وضع جسمی رضا شهابی عضو هیات مدیره خود که از ۲۲ فرورد سال گذشته تا کنون در زندان است، اظهار نگرانی کرده است. بنا بر این خبر طی آخرین ملاقاتی که خانواده رضا با وی داشته اند، متوجه شده اند، که او با خونریزی بینی روبروست و این مشکل از چند روز قبل شروع شده است. نگهبانان جنایتکار جمهوری اسلامی اعلام داشته اند، که بعد از تعطیلات وی را جهت معالجه به پزشک خواهند برد. در حالیکه رضا نیاز به درمان فوری دارد.

سرباز زدن از معالجه زندانی، گرو گرفتن دارو و نیازهای حیاتی زندانی، بخشی از فشار و شکنجه جمهوری اسلامی بر روی زندانیان سیاسی است. از جمله منصور اسانلو رییس هیات مدیره سندیکای واحد نیز در وضعیت وخیم جسمی بسر میبرد. سه رگ قلب او مسدود شده و نیاز به عمل جراحی فوری دارد. او در زندان دوبار دچار حمله قلبی شده است و بارها از سوی خانواده اش، سندیکای واحد و اتحادیه های کارگری جهانی نسبت به وضعیت او ابراز نگرانی شده است، اما جانینان اسلامی از دادن مرخصی به وی جهت

کارگری که به همت خود کارگران شکل گرفته اند و همه کارگران و مردم آزادخواه باید سندیکای واحد را در این اعتراض همراهی کنند.

با تمام قدرت برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۷ مه ۲۰۱۱



"دولت با بی حجابی بر خورد جدی میکند!"

شهلا دانشفر



حجاب برگیران و معضل بی حجابی، يك معضل جدی حکومت است. جلوی چشمان جانیان حاکم، حجاب این پرچم آياتیاد جنسی، به زمین زده میشود و کاری هم با آن نمیتوانند بکنند. دوباره تابستان است و از نظر این حضرات خطر جدی تر شده است. بویژه در متن جامعه پرتپش، وضع وخیم تر میشود و اگر نجسند دیگر چیزی از اسلام و نظامشان بجا نخواهد ماند. در چنین اوضاعی است که دوباره اخبارها شدت میگردد. اینبار با طرح "امنیت اخلاقی" میخواهند جلو بیایند و جلوی دشمنان اسلام را بگیرند. چون طرح های قبلی شان، ناکام ماند. تظاهرات حامیان حجاب در ۸ شهر نیز شاید راهگشایی باشد و رگ غیرت بسیجیان عزیز را به جوش آورد، و وزیر علوم جمهوری اسلامی هم خیلی جدیست و اعلام کرده است، حجاب در محیط دانشگاه باید در تمام مناسبات رعایت شود و به کوری چشم دشمنان، اسلامی شدن

دانشگاهها را به طور زیربنایی اجرایی خواهند کرد. همه این تکاپو ها به روشنی حاکی از هراس و وحشت رژیم است و نشانگر اینست که اوضاع چقدر پس است. به سرتیترها اخبار در همین هفته نگاه کنید. يك موضوع مهم مباحث همین موضوع "بیحجابی زنان" است.

"دولت با بی حجابی برخورد جدی میکند" این سرتیتر یکی از خبرهای این هفته رسانه های دولتی است که در آن به اجرای "طرح امنیت اخلاقی" با ۷۰ هزار پلیس اشاره دارد. نیرویی که تا کنونی برای چنین مقابله ای بسیج کرده اند، کافی نبوده است، قرار است با چنین طرحی وارد میدان شوند و خلاصه اینبار دیگر برخورد جدی کنند!، سردار روزبهانی رئیس پلیس نیز در این باره میگوید: برخی فکر می کنند که پلیس هیچ اقدامی در زمینه امنیت اخلاقی و مقابله با بدحجابی انجام نمی دهد در حالی که این طور نیست و پلیس به وظایف

خود در این زمینه با جدیت عمل می کند. "بله او درست میگوید، ۳۲ سال است که جمهوری اسلامی با تمام نیرو برای حاکم کردن قوانین ارتجاعی اسلامیش و حجاب اجباری زنان، سرکوب کرده است. اوپاش حزب الله شان را به خیابان ها ریخته و زنان را تحت عنوان "بدحجاب و بیحجاب و غیره" مورد تحقیر و تعرض قرار داده است و این هم آخر و عاقبت همه آن تلاش هاست. به عبارت روشنتر اکنون دیگر بحث بر سر بدحجابی و بدپوشی و غیره نیست، بحث مستقیماً بر سر بی حجابی زنان است. بحث بر سر ابعاد گسترده جنبش حجاب برگیران و به پایین کشیده شدن حجاب این پرچم آياتیاد جنسی است. بر سر کل نظام و قوانین ارتجاعی اسلامی است که چنین جانانه از سوی زنان و مردم ایران به چالش کشیده شده است و اکنون دولت خود را آشکارا بازنده می بیند. بحث بر سر شکست جمهوری اسلامی و درماندگی آن در مقابل این جنبش است. طرح حجاب و عفاف را آوردند، طرح امر به معروف و نهی از منکر را آوردند، طرح امنیت اجتماعی و غیره را آوردند و با به شکست رسیدن همه این

طرح ها اکنون با طرح "امنیت اخلاقی" و اختصاص ۷۰ هزار نفر از اوپاش حزب الله به آن، به میدان آمده اند و قرار است، گشت های آن گسترده باشد. قرار است با بی حجابی برخورد قاطع کنند. قرار است، ماهواره ها را جمع کنند و قرار است

البته این تمام تمهیدات این دولت نیست. همانطور که اشاره کردم حامیان حجاب و طلبه های قم نیز ساکت ننشسته اند و در ۱۹ اردیبهشت خبر راهپیمایی آنها در ۸ شهر تهران، مشهد، ارومیه، اصفهان، شیراز، ساری، ری و کاشان یکی دیگر از سرتیترهای اخبار بود. جالب است اکنون دیگر حکومتیان علیه مردم تظاهرات میکنند! برای نمونه چندی پیش طلبه قم در اعتراض به همین مساله حجاب دست به راهپیمایی زدند.

جواب وزیر علوم این حکومت را هم که دانشجویان دانشگاه الشوره و تهران و دانشگاه آزاد دادند و اکنون ۲۵ اردیبهشت روز اعتصاب و تظاهرات سراسری دانشجویان روز اعتصاب و اعتراض سراسری علیه فقر و تبعیض، علیه کمیته های

انضباطی و حضور اوپاش بسیج و حزب الله در دانشگاهها، علیه تبعیض جنسیتی و علیه طرح های رژیم برای اسلامی کردن دانشگاهها را در پیش داریم که تا کنون از سوی ۳۲ دانشگاه فراخوان داده شده است. بنابراین همه چیز حاکی از اوضاع وخیم این رژیم است.

این اخبار بیش از پیش موقعیت ضعیف این حکومت را در قبال جنبش ضد تبعیض و حجاب این سمبل بربریت و تحقیر زن را نشان میدهد. این اخبار از به پایین کشیده شدن حجاب این پرچم موجودیت جمهوری اسلامی و زیر ضرب رفتن کل نظام حکایت دارد. همین اخبار است که به موضوع هراس هر روزه این رژیم تبدیل شده و انعکاسش را در خطابه های هر هفته امامان در نماز جمعه ها و اظهارات مقامات مختلف حکومتی و در دعواها و کشتی گرفتن هایشان میتوان دید. همین ترس و هراس است که آنها را چنین به حد جنون رسانده است، و هر بار با طرحی به جان مردم می افتند، و مردم جانانه در مقابلشان ایستاده اند. جمهوری اسلامی راهی برای خلاصی ندارد. *

چشم در برابر چشم محکوم است!

میخواهد مانع از آن شود که فاجعه و جنایت اسید پاشی تکرار شود. اما واضح است که آمنه با این کار خود در واقع قانون اسلامی قصاص و وحشیگری "چشم در برابر چشم" را تایید و تشبیه میکند. یعنی همان منطق و سنت و قانون ضد بشری و اسلامی را تقویت میکند که منشاء

آمنه بهرامی زن جوانی که قربانی سنت اسلامی اسید پاشی به چشم زنان شده است، میخواهد روز شنبه پس فردا (۱۴ ماه مه) طبق قانون اسلامی قصاص و با دست خود اسید در چشم فردی بریزد که زندگی و آرزوهای او را عملاً نابود کرده است. آمنه میگوید با این کار

خیلی جنایات است و خود او نیز قربانی آن شده است. نیازی به تاکید نیست که از دل این فاجعه دلخراش و سیاه "چشم در برابر چشم" تنها جمهوری اسلامی و بربریت است که موفق و پیروز بیرون خواهد آمد و بشریت و تمدن بازنده خواهد بود. بشریتی که از جنایات هولناک اسید پاشی بصورت آمنه به درد آمده است نمی تواند موافق اسید پاشی

دیگری باشد که اینبار به نام "عدالت" و در واقع طبق بربریت قصاص اسلامی و تحت قانون دولت اسلامی صورت میگیرد. اسید پاشی به هر علتی صورت گیرد عملی وحشیانه و يك جنایت سیاه و محکوم است، اما اجرای آن توسط دولت صدمبار جنایتکارانه تر است، حکومتی که خود مروج و مبلغ و عامل اصلی اسیدپاشی هائی است که توسط افراد

انجام میشود. از جانب بشریت آزادیخواه و به درد آمده از جنایتی که در حق آمنه صورت گرفته او را در آغوش میگیریم و از او میخواهیم که به اسید پاشی و قانون قصاص اسلامی و به جمهوری اسلامی نه بگوید! کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۲ مه ۲۰۱۱

تجمع کارکنان تعاونی مسکن اداره برق تهران مقابل مجلس اسلامی

در خبرهای روز ۱۸ اردیبهشت آمده بود که جمعی از کارکنان تعاونی مسکن اداره برق تهران با تجمع مقابل مجلس اسلامی نسبت به ضایع شدن حقوق خود اعتراض داشته و خواستار بازپس گیری حق و حقوق خود هستند. تجمع کنندگان که تعدادشان حدود ۵۰ نفر است تاکید دارند که حدود ۳۰ هزار نفر از اعضای تعاونی مسکن برق تهران بیش از ۲۰ سال است که بالاتکلیف

هستند و خواستار رسیدگی به حق و حقوق خود می باشند

دومین تجمع اعتراضی کارگران مقابل کارخانه طلاي تکاب

در خبرهای ۱۸ اردیبهشت آمده بود که کارگران اخراجی دومین کارخانه استحصال و فرآوری طلاي در آق دره تکاب برای دومین بار طی ده روز گذشته تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. این کارگران با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه ی طلاي آق دره تکاب در ۳۰ کیلومتری تکاب نسبت به اخراج خود از کار و عدم پاسخگویی مسئولان کارخانه

اعتراض نمودند. کارگران پلاکاردها و نوشتههایی در اعتراض به وضعیت شغلی خود و عملکرد مسوولان کارخانه در زمینه های استخراج و استحصال غیر اصولی و موارد بهداشتی کارخانه در دست داشتند و هدف از تداوم اعتراضها و تجمعها را مجاب ساختن مسئولان کارخانه به رسیدگی به مشکلاتشان عنوان نمودند. بیش از این کارگران اخراجی کارخانه ی طلاي آق دره تکاب در اعتراض به تعطیلی کارخانه طلا و بیکاری گسترده کارگران روز چهارم اردیبهشت ماه جاری مقابل فرمانداری تکاب تجمع کرده بودند.

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!